

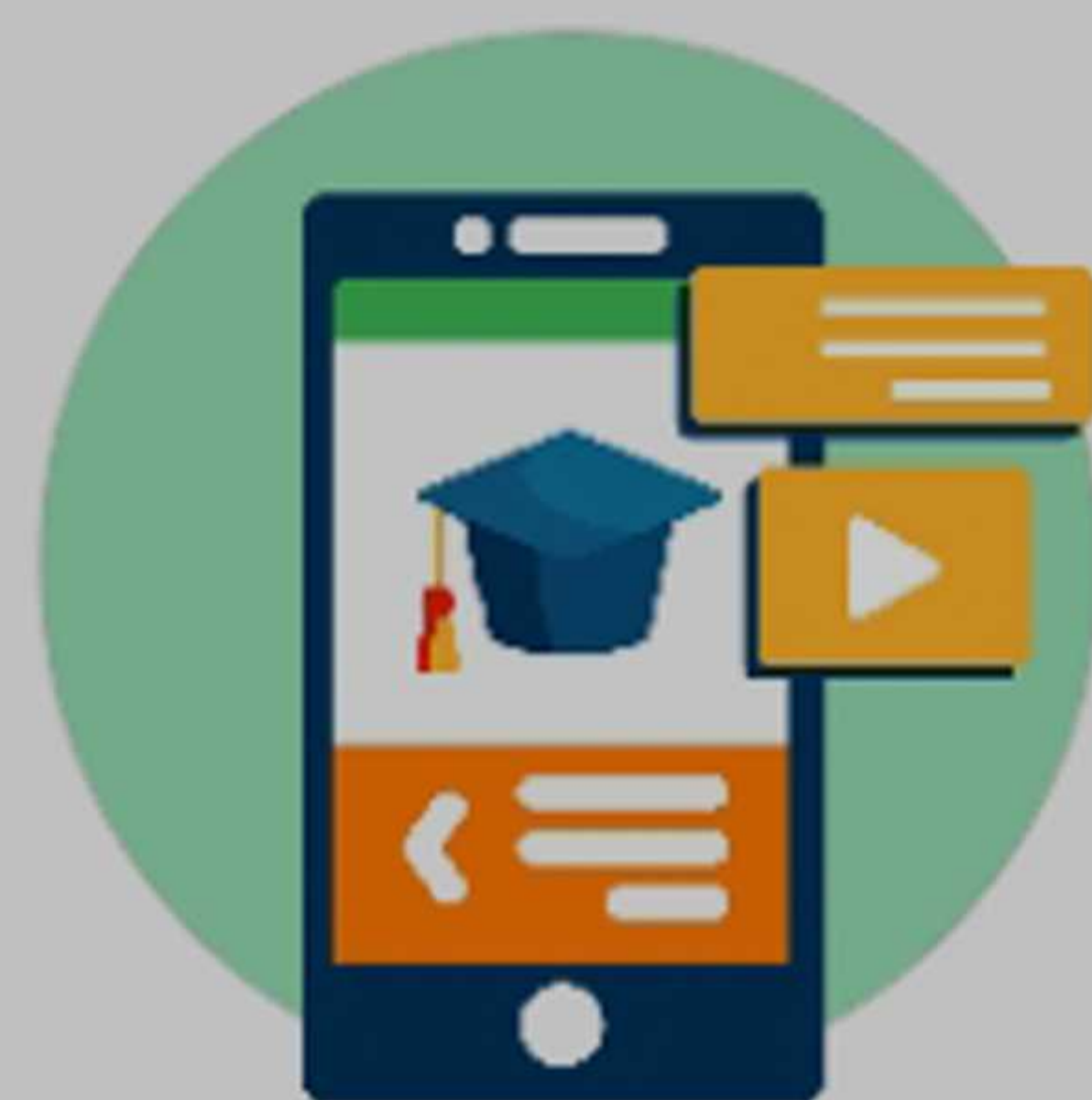
# کانال اطلاع رسانی شبکه آموزشی دانش آموز



محتواهای رسمی



خانواده



کانال های رسمی

## ورود به مدرسه من

# شماره عمار

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عمار  
شماره بیست و پنجم / سال ششم



آموزش مجازی

عدالت آموزشی

تربیت مجازی

سند ۲۰۳۰

دانشگاه فرهنگیان





## فهرست

۴	.....سر مقاله
۶	.....حجاب؟
۱۰	.....دانشجوی دانشگاه فرهنگیان یا دانشگاه دیگر و ماده ۲۸؟
۱۲	.....سند ۲۰۳۰ چیست؟
۱۴	.....تب کرونا، چهره تبعیض و عدم عدالت آموزشی را برافروخته تر کرد.
۱۶	.....آموزش مجازی تا چه حد موفق بوده؟
۱۸	.....آموزش و پرورش و اقتصاد
۲۰	.....آموزش مجازی، فرصت ها و تهدید ها.
۲۲	.....سنگر مقاومت آموزش همگام با کووید-۱۹.
۲۴	.....آموزش تعطیل نیست، تربیت چطور؟
۲۶	.....تاثیر سیاست بر آموزش و پرورش.
۲۸	.....تاریخ قضاوت می کند سازش یا تسلیم.
۳۰	.....تاریخچه ای بر طرح ولایت.

# نشریه عمار

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عمار

سال ششم، شماره بیست و پنجم، پاییز ۹۹

## شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهیدآیت  
مدیرمسئول: مهدی احمدی قوهکی  
سر دبیر: علیرضا زینعلی دهاقانی

### هیئت تحریریه

دبیر واحد علمی، فرهنگی و هنری: سید علیرضا قائم مقامی  
دبیر واحد زیستی و روانشناسی: امیرحسین رضائیان نجف آبادی  
دبیر واحد اخلاقی، مذهبی و اعتقادی: امیر عباس وکیلی  
دبیر واحد سیاسی: امیرحسین کاظم زاد

همکاران این شماره: زهرا قاسمی، امیررضا اسعدی،  
سجاد شیخ محمدی، یحیی قرقانی پور، علیرضا یوسفان،  
پوریا موحدی، علی مال میر، محمد علی شاهچراغی

### راه های ارتباطی

<https://Ayatbso.ir>

[Info@ayatbso.ir](mailto:Info@ayatbso.ir)

### نشانی

اصفهان، نجف آباد، امیرآباد، خیابان شهیدمطهری جنوبی  
دانشگاه فرهنگیان شهیدآیت

گروه ویراستاری: سجاد راعی دهقی، امیرحسین داوری داورانی

گروه طراحی و صفحه آرایی: محمد مهدی احمدی دستجردی، امیرحسین داوری داورانی





علیرضا زینعلی دهافانی  
سر دبیر

به نام خدایی که عالم از اوست  
جهان در مداری منظم از اوست  
خداوند تکوین و تدبیر و علم  
توانای ذوالقدر و ذو الفضل و حلم

مسئله آموزش و تربیت در فرهنگ اسلام یک ارزش محسوب می شود. در اهمیت این موضوع همین بس که بزرگترین معجزه پیغمبر اسلام، یعنی مصحف شریف، از جنس علم و دانش و کتابت است. به علاوه در همین قرآن اولین سخنانی که از جانب پروردگار به پیغمبر نازل می شود به علم و خواندن و قرائت دعوت می کند.

از طرفی توجه به عدالت و برابری در جای جای معارف اسلامی به چشم می خورد. یکی از بسترهایی که عدالت باید در آن بروز و ظهور پیدا کند، بستر آموزش است.

آموزش همگانی باید به صورت برابر و یکسان در اختیار عموم قرار گیرد. و این مهم اتفاق نمی افتد مگر اینکه دیدگاه جامعه از مسئولین عالی رتبه تا مردم عادی نسبت به این موضوع، تغییر کند و به یک دغدغه حیاتی تبدیل شود.

یکی از روش هایی که بر دیدگاه عمومی تاثیر گذار است، پرداختن به این مسائل در قالب رسانه ها است.

همت خانواده نشریه عمار بر این بوده است تا بتواند از این فرصت رسانه ای به خوبی استفاده کرده و قطره ای از دریای مسائل روز آموزشی و تربیتی را از این طریق به سمع و نظر مسئولین و مردم برساند. به امید آنکه بتوان به اصلاح و تغییر این دیدگاه کمک کرد و عدالت آموزشی را به دغدغه اساسی و حیاتی جامعه تبدیل نمود.



مهدی احمدی قوهکی  
مدیر مسئول

بسم الله الرحمن الرحيم

نشریه عمار، تریبونی برای مطالبه، کتابی برای مطالعه و کارگاهی برای مباحثه است. این نشریه حاوی متونی با سلیقه های مختلف است که از ذهن دانشجو های اندیشمند و اهل نظر می ترواد و از تبیین و راه حل مشکلاتی می گوید که بر سر راه شکوفایی و بالندگی دانشگاه فرهنگیان و آموزش و پرورش کشور است.

سعی شده در این نشریه از مباحثی تخصصی استفاده شود که در زمان حال مورد نیاز هر دانشجو بوده و برای دانشجو های عام مورد پسند و دانشجو های دغدغه مند و اهل مطالعه در هر حوزه سیاسی، اجتماعی، علمی و ... جذاب باشد.

این نشریه دارای دو قسمت اصلی و فرعی می باشد. قسمت اصلی مربوط به دانشجو معلمان و معلمان است که پیرامون مطالب آموزش و پرورش صحبت می کند و قسمت فرعی دارای مطالب روز کشور بوده و مخاطب عام دارد.



# حجاب؟



امیر عباس وکیل  
دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید آیت نجف آباد

در این مطلب نمی خواهیم در این مورد صحبت کنیم که آیا حجاب خوب است یا نه و یا اینکه چه تاثیر و برکاتی در فرد دارد. بحث ما این است که آیا در ایران و جامعه ما حجاب اجباری است یا خیر و اگر هست چرا؟ ابتدا از پایه شروع می کنیم. حجاب چیست؟ از منظر دین حجاب پوششی است برای مرد و زن که برای خانم ها پوشش تمام بدن غیر از گردی صورت و دستها ت مج؛ ضمن اینکه علاوه بر پوشاندن بدن، فرد لباسی بپوشد که ایجاد توجه و ایجاد مفسده نکند. (جالب است بدانید که در همه ادیان الهی و در کتاب های این ادیان همچون کتاب مقدس و یا قرآن کریم به حجاب امر شده است.) حجاب یک رفتار است. انسان زمانی یک رفتار را انجام می دهد که:

- ۱) آن را بشناسد
- ۲) آن را بخواهد
- ۳) آن را بتواند.

حجاب اجباری کلمه متناقضی است. حجاب از آن جهت که یک امر عقیدتی است، نمی تواند اجباری باشد. حجاب یک امر عقیدتی است یعنی باید اول عقل آن را بپذیرد، بعد دل به آن مایل شود و بعد فرد آن را انجام دهد. عقل و دل را نمی توان به پذیرش چیزی وادار کرد. مثلاً فرض کنید من از شما بپرسم به فلان بازیگر علاقه مند هستید و شما بگویید نه؛ در این لحظه من بگویم باید علاقه مند شوید! آیا چنین چیزی ممکن است؟ مسلماً خیر. پس با باید گفتن، هرگز دل مایل به چیزی نمی شود. پس فهمیدیم که حجاب به عنوان یک عقیده، اجبار بردار نیست و استفاده از اجبار در عبارت «حجاب اجباری» اشتباه است. اکنون می پرسید پس کاری که در جامعه صورت می گیرد چیست؟ در جامعه حجاب قانونی داریم. یعنی فرد در جامعه باید مطابق با قانون، حجاب خود را رعایت کند و توجه به این نکته ضروری است که این قانون برای جامعه و اجتماع است و کاری با فضای حریم خصوصی فرد ندارد. یعنی این قانون به فرد می گوید شما حق اینکه دیگران را در بدپوششی خود شریک کنید ندارید و اگر می خواهید بدپوششی کنید به فضای حریم خصوصی خود بروید.

در این بین کسانی هستند که می گویند حجاب خودم است و در جامعه دوست دارم هر گونه می خواهم باشم. در پاسخ به این افراد باید گفت در جایی که قانون وجود دارد نمی توان گفت که قانون هست ولی اختیار من چیز دیگری است. یکی از مشکلات بزرگ ما در ایران، نه تنها در مسئله حجاب بلکه در مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... همین است که جمعی زندگی می کنیم، ولی فردی فکر می کنیم.



شاید سوال دیگری که پیش بیاید این است که اگر حجاب اجباری نیست و اختیاری است، و با این گفته ها که بیان شده اختیاری نیست پس آیا حجاب اجباری است؟ در پاسخ باید بگوئیم که بین اجبار و اختیار چیزی قرار دارد که سه بخش است. این سه بخش عبارتند از حوزه شناخت، حوزه گرایش و حوزه رفتار. حوزه شناخت و حوزه گرایش قابل اجبار نیست چون از سنخ عقل و دل است و همانطور که گفته شد عقل و دل اجبار نمی پذیرد. می ماند حوزه رفتاری که دو بعد دارد؛ یک بعد آن حریم خصوصی است و بعد دیگر آن حریم عمومی. بر این اساس، ما در حجاب در حوزه شناخت و گرایش نمی توانیم کاری بکنیم چون به ترتیب عقلی و دلی است. در حوزه رفتار نیز، در حریم خصوصی، کاری نمی توانیم بکنیم چون اجازه ورود نداریم. فقط می توانیم حجاب را در حوزه رفتار و در بعد حریم عمومی کنترل کنیم. چون وقتی حجاب فرد در حریم عمومی انعکاس پیدا می کند، دیگر یک مسئله سلیقه ای نیست، بلکه یک مسئله واقعی است. مسئله واقعی یعنی حوزه تاثیر و تاثیرات آن کار از فرد به بیرون انتشار پیدا خواهد کرد.

ما وقتی دور هم جمع می شویم که زندگی جمعی تشکیل بدهیم، باید بپذیریم که یک سری از حقوق خودمان را واگذار کنیم (از یک سری حقوق بگذریم) و یک سری از تکالیف رو بر عهده بگیریم تا در نتیجه جمع تشکیل بشود و بتوانیم از منافع زندگی جمعی برخوردار بشویم. اصلاً ذات زندگی جمعی در این است که ما از یک سری از امیال خود بگذریم، چون بدون این نمی توان جامعه را تشکیل داد.

اجرای قوانین به طور حتم باعث بهتر شدن جامعه می شود. پس اگر به دنبال جامعه ای هستیم که هر روزش بهتر از دیروزش باشد و پیشرفت کند، به قوانین کشور عزیزمان احترام بگذاریم.

## حجابت رو رعایت کن تا کرونا نگیری ...



علیرضا زینعلی دهاقانی  
دانشجوی علوم تربیتی شهید آیت نجف آباد

وقتی به وضعیت کرونا و عدم رعایت نکات بهداشتی نگاه می کنیم، شباهت عجیبی را بین این مسئله و شیوه رعایت حجاب و پوشش مناسب در جامعه مشاهده می کنیم. افراد در برخورد با رعایت حجاب به دو گونه متفاوت رفتار می کنند. عده ای به خوبی و شیوه احسن آن را انجام می دهند ولی عده ای در رعایت آن سستی و کاهلی می کنند. بعضاً افرادی که در امر حجاب سستی میکنند معمولاً این کار را در اثر چشم و هم چشمی و از روی خطا انجام می دهند که اگر این افراد دارای وجدان حق پذیری باشند، پس از مدتی به خودی خود آن را مرتفع می کنند و یا با یک تذکر ساده متوجه خطا و اشتباه خود شده و از تکرار آن خودداری خواهند کرد. اما عده ای نیز به صورت آگاهانه و با تمایل راه بدجایی را در پیش می گیرند و نه تنها خود در پی برطرف کردن این مسئله تلاشی نمی کنند بلکه اگر این امر با تذکری همراه شود به صورت متقابل عمل می کنند و با لجباجت در انجام و ادامه بدجایی اصرار می ورزند. روی صحبت ما با همین افراد است. این افراد نه تنها بدجایی و کم جایی را زشت و ناپسند نمی دانند بلکه آن را به عنوان عاملی از زندگی پیشرفته و متمدن می دانند و زندگی لاکچری را بر آن می گذارند. حتی می توان گفت کار به جایی رسیده است که بدجایی به عنوان سرلیست ارزش های جوانان امروزی قرار دارد.

شما یک فرد کم حجاب را در نظر بگیرید که در این مسئله بسیار لجباجت می کند و اصرار می ورزد. هنگامی به او در مورد رعایت حجاب توصیه می شود، با رفتاری متعصبانه از بد جایی خوددفاع می کند، و آن را یک عمل شخصی می داند که ارتباطی با دیگران ندارد و خود را از این جهت آزاد معرفی می کند. دست آویز های فریبنده زیادی در این زمینه توسط دشمنان خارجی تراشیده شده است. مثلاً کمپین «#نه\_به\_حجاب\_اجباری» و استفاده مکرر از آن در فضاهای مجازی به خصوص توئیتر و اینستاگرام، که با استقبال زیادی از متعصبان در این زمینه روبرو شده است. و استفاده از این عبارت توسط سلبریتی ها و حمایت از آن، مهر تأیید دیگری در تشویق و ترغیب جوانان به استفاده و ترویج آن می باشد.





وقتی خوب به این مسئله از جنبه های متفاوت نگاه می کنیم متوجه شباهت آن با بیماری کرونا می شویم.

بایک فرض چالشی موضوع را بیشتر توضیح می دهیم. برای مثال فردی را مد نظر قرار دهید که تعهد آنچنانی به رعایت حجاب ندارد و دوستانی با ویژگیهای مشابه دارد. از قضا این فرد به بیماری کرونا مبتلا شده است و از این مسئله آگاهی دارد، با این وجود برای یک آخر هفته مناسب با دوستان خود قرار پیک نیک می گذارد. این پیشنهاد معمولاً با استقبال زیادی مواجه می شود و نهایتاً آنها تصمیم به مسافرت می گیرند. در مسیر سفر آنها از یک وسیله نقلیه واحد و امکانات مسافرتی مشترک استفاده می کنند همچنین خبری از رعایت فاصله گذاری اجتماعی نیست. از آنجایی که در این جمع ها احساس صمیمیت بسیار زیاد است آن فرد از زدن ماسک نیز خودداری می کند.

پایان مسافرت فرا می رسد آن فرد به مبتلا بودنش به کرونا اعتراف میکند و دوستانش را در جریان قرار می دهد شرایطی که پیش خواهد آمد بسیار ناراحت کننده خواهد بود دوستانش مکرراً او را مورد سرزنش قرار می دهند به او می گویند: «چرا از اول به ما نگفتی؟» «چرا در خانه نماندی و خودت را قرنطینه نکردی؟» «چرا قرار مسافرت گذاشتی؟» «چرا لااقل از ماسک استفاده نکردی؟» «چرا جمع ما را با این خطر روبرو کردی؟» «تو نه تنها ما، بلکه جامعه را به خطر انداختی»

اما جواب دندان شکن فرد بیمار با نگرش متعصبانه به این صورت خواهد بود: «کرونا من یک بیماری شخصی است. در ضمن به خودم هم مربوط است که ماسک بزنم یا نزنم و یا اینکه فاصله اجتماعی را رعایت کنم یا نکنم و اصلاً هم به کسی ارتباطی ندارد» مسلماً هیچ یک از دوستانش این جواب او را نخواهند پذیرفت. جواب بسیار خنده دار و در عین حال طعنه آمیزی است. و ناخودآگاه انسان را یاد مسئله بد حجابی و بهانه شخصی بودن آن می اندازد. چطور آن افرادی که بد حجابی را یک مسئله شخصی و عاری از آسیب های اجتماعی آن می دانند، نمی توانند قبول کنند که کرونا هم یک مسئله شخصی است و آسیب اجتماعی ندارد؟

### حجاب اجتماعی است...

بله مسئله حجاب و بیماری کرونا هر دو اجتماعی است و به جامعه مرتبط می باشد.

آسیب های ناشی از عدم رعایت حجاب و بهداشت، نه تنها خود فرد بلکه اجتماع را نیز تحت تاثیر قرار می دهد. با این تفاوت که کرونا ممکن است تاثیر سریع تری داشته باشد در حالیکه بدحجابی ممکن است به کندی و بسیار مخفیانه آثار مخرب خود را در جسم و روح افراد نشان دهد.

شباهت دیگری که بین این دو وجود دارد تاثیر بلند مدت آن است. به گفته محققان زمانی که فردی کرونا می گیرد اگر جان سالم از این بیماری به در ببرد، آثار وضعی این بیماری تا بلند مدت و حتی تا پایان عمر با او خواهد بود. در بدحجابی نیز اگر فرد از آثار کوتاه مدت این عارضه اجتماعی جان سالم به در ببرد و در سیاه چاله عمیق آن گرفتار نشود، آثار بلندمدت و مخرب آن حداقل در روحیه فرد آشکار می شود و برای مدت طولانی با او خواهد بود. و خدایی ناکرده به عادت تبدیل می شود و همانطور که می دانید ترک عادت موجب مرض است....



# حجاب

راه درمان این دو نیز شباهت زیادی به یکدیگر دارد. همانطور که محققین بیان می کنند بهترین راه درمان کرونا در حال حاضر پیشگیری و رعایت پروتکل های بهداشتی می باشد، بهترین و موثرترین راه درمان آسیب های اجتماعی ناشی از بدحجابی نیز پیشگیری به موقع و رعایت نکات بسیار ساده پوششی و رفتاری است. که هم حافظ خود فرد و هم حافظ جامعه ای که در آن زندگی می کند خواهد بود.

و کلام آخر اینکه انسان یک موجود اجتماعی است همان طوری که زندگی اجتماعی دارد و از اجتماع بهره مند می شود در مقابل باید برای جامعه خود نیز مفید باشد و خدماتی را به جامعه خود ارائه کند. کمترین خدمتی که یک فرد می تواند به جامعه خود داشته باشد این است که لااقل به آن ضرر نرساند.

بد حجابی و سستی در امر حجاب علاوه بر اینکه در فرهنگ ایرانی و اسلامی جای ندارد، توطئه ای است سازمان یافته از جانب دشمنان با هدف تضعیف حرمت بانوان، بی بند و باری های اخلاقی، جایگزینی فرهنگ غربی به جای فرهنگ اسلامی، ترویج فساد، گسترش انحرافات اجتماعی و تضعیف بنیان اصیل خانواده. متأسفانه افرادی با عناوین مختلف از جمله سلبریتی ها مرتباً به آن دامن میزنند و موجب انحراف جوانان پاک سرشت کشور عزیزمان می شوند.

امیدواریم با عنایت خداوند جوانان عزیزمان از درگاه شناخت و معرفت با این گونه مسائل برخوردار کنند و خود و جامعه خود را از دام دشمنان داخلی و خارجی حفظ نمایند.





## دانشجوی دانشگاه فرهنگیان

### یا دانشگاه دیگر و ماده ۲۸؟



مهدی احمدی قوهکی  
دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید آیت نجف آباد

چرا می‌گویند نباید به غیر از این راه معلم وارد بدنه آموزش و پرورش بشود؟  
اولا معلم به چه کسی می‌گویند؟ چه فرقی با عالم دارد؟  
می‌توان گفت معلم عالمی است که آنچه در قالب اطلاعات جمع آوری کرده را آموزش می‌دهد، پس عالم مدرس را معلم گوئیم. آیا کافی است؟  
معلم فردی اثر گذار در کلاس درس، برای متری خود یا حتی جامعه است. می‌تواند شخصی که تاثیر گذار است خود صاحب اندیشه نباشد؟ و به قولی صرفا اجاره نشین اندیشه دیگران باشد؟ اصلا چنین نیست؛ معلم اگر معلم باشد باید خود اندیشمند یا صاحب اندیشه باشد. پس معلم، عالم مدرس صاحب اندیشه است؟ اما این تعریف هم کافی نیست! شخصی که خود را معلم میدانند می‌تواند چرایی، چگونگی و چیستی معلوماتی را که به متری خود یاد می‌دهد را نداند؟ پس معلم باید فیلسوف هم باشد، پس معلم عالم مدرس فیلسوف صاحب اندیشه است اما کافی نیست! آیا می‌توان معلمی که می‌داند علم همواره و هر لحظه در حال تغییر است جمود کرده و علمش را بروسانی نکند؟ پس معلم باید محقق هم باشد.  
معلم، عالم مدرس محقق فیلسوف صاحب اندیشه است.  
آیا در همه دانشگاه‌ها به غیر از عالم کردن، می‌توانند همچون دانشگاه فرهنگیان معلم پرورش دهند؟  
ویژگی‌های یک معلم چیست؟  
۱- داشتن اطلاعات کافی در مورد علمی که قرار است تدریس کند، که فقط در دانشگاه فرهنگیان می‌توان واقعا به آن پرداخت. چرا که کتب ابتدایی و متوسطه فقط در این دانشگاه بررسی می‌شود و رشته‌هایی چون آموزش ابتدایی، آموزش شیمی و... فقط در این دانشگاه وجود دارد. لازم به ذکر است که رشته آموزش هر درسی (مثلا زیست شناسی) با همان رشته دانشگاه‌های دیگر حتی برای کسی که دکترا گرفته متفاوت است.  
۲- فن ساده کردن همان درس (علم)، روش تدریس مختص آن درس با درس دیگر متفاوت است و باید به صورت کافی و در طول ۴ سال و دو سال کارورزی فراگرفته شود که در هیچ دانشگاه دیگری نیست.  
۳- شان و شخصیت معلمی؛ وقتی دانشجویی تعهد می‌دهد که بعد از ۴ سال معلم شود، هویت او در دانشگاه ساخته می‌شود به شکلی که او ۴ سال در دانشگاه تمرین معلمی می‌کند و شخصیت او رفته رفته با شغل او خو می‌گیرد، که دانشجوی هیچ دانشگاهی این تجربه مهم را درک نکرده است.



۴- فن بیان و حرفه‌های کنترل مستمع؛ در دانشگاه فرهنگیان در قسمت مصاحبه و گزینش، افراد واجد شرایط جذب می‌شوند و در طول تحصیل، فن بیان و حرفه‌ی کلاس داری و... را تمرین خواهند کرد که در هیچ دانشگاه دیگری وجود ندارد.



## در دانشگاه فرهنگیان دانشجو تربیت می‌شود

به شخصی تربیت یافته می‌گویند، که در تمام شئون و ابعاد شخصیتی رشد یافته و شخصیتی کاریکاتوری ندارد. به دانشجو حقوق می‌دهند که در بعد اقتصادی استقلال خود را درک کرده و رشد کند.  
اجازه کار سیاسی داده می‌شود و همه او را به دلیل معلم بودن، در آینده سیاسی کشور موثر می‌دانند و نظر او را می‌پذیرند.  
معلم شخصی اجتماعی است زیرا دانشجو بلافاصله بعد از قبولی، جامعه او را به عنوان معلم می‌شناسند و جایگاه شغلی و اجتماعی خود را پیدا کرده.  
معلم باید دست خط خوبی داشته باشد! ظاهری آراسته برای معلم نیاز است؛ این‌ها جمله‌هایی است که هر شخصی با خود تکرار می‌کند و از دیگران می‌شنود و بعد زیبایی شناختی او تقویت می‌شود.  
و همه بعد‌های دیگر، چرا که به خاطر معلم بودن برای او الزامی می‌شود و خود را رشد می‌دهد.  
آیا دانشجو‌های دیگر که حتی نمی‌دانند آینده‌ی شغلی خود چیست به فکر این‌ها بوده‌اند؟ اصلا در شرایط معلم بودن قرار نداشته‌اند و نه خود و نه دیگران، معلم بودن را از آن‌ها انتظار نداشته‌اند.  
شاید پرسید آیا همه این اتفاق‌ها در دانشگاه فرهنگیان می‌افتد و ما به همه این اهداف رسیده‌ایم؟ باید گفت خیر ما شاید به دلیل ناکارآمدی مسئولین و بها ندادن به دانشگاه فرهنگیان به همه‌ی این هدف‌ها نرسیده باشیم ولی سیستم دانشگاه فرهنگیان درست است و نباید کاهلی و عدم عاقبت اندیشی مسئولین را با ماده ۲۸ که اشتباهی غیر قابل جبران و خسارتی جبران ناپذیر به بدنه آپ وارد می‌کند را درمان بدانیم و سانسور کنیم، مسئولین باید جواب اشتباه خود را بدهند.







اینجا ایران است

اینجا جمهوری اسلامی است



مبنا قرآن است

مبنا اسلام است

# سند ۲۰۳۰ چیست؟

زهرا قاسمی

دانشجوی پردیس فاطمه الزهرا اصفهان



سند آموزشی ۲۰۳۰ نوعی از برنامه ریزی سازمان ملل متحد به سرمداری کشورهای غربی برای ایجاد دهکده جهانی همراه با برنامه های تربیتی به سبک خودشان است. این دستورکار، جایگزین اهداف توسعه هزاره شده که شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین المللی را در زمینه توسعه پایا برای ۱۵ سال آینده ترسیم می کند. برخی صاحب نظران دلایلی برای پذیرش این سند ذکر می کنند و معتقدند که این سند مطلبی خلاف اسلام ندارد. رهبر معظم انقلاب در

پاسخ به این افراد می فرماید: مشکل سند ۲۰۳۰ مخالفت با استقلال کشور است. نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته شود. آنها که خیال می کنند ما گزارش درست نگرفتیم، نه گزارش های ما گزارش های درستی است. شما می گوئید این سند مثلا خلاف اسلام ندارد. داشته باشد یا نداشته باشد اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است، نظام آموزشی ما را چهار نفر بنشینند در یونسکو بنویسند! چرا؟ این همان مسئله استقلال است.

همچنین در بیانیه ای دیگر در اعتراض به این سند می فرماید: به چه مناسبت یک مجموعه ی به اصطلاح بین المللی که تحت نفوذ قدرت های بزرگ نیز قرار دارد به خود حق می دهد که برای ملت های با تاریخ و فرهنگ و تمدن گوناگون تعیین تکلیف کند.

مهم ترین هدف این سند چیست؟

در یک کلام و به عنوان مهمترین منظور باید گفت: مهمترین هدف پنهان شده در این سند، تغییر الگوی آموزش کشورها بر اساس طراحی آمریکا است که گامی بلند در جهت سیطره این کشور بر همه فرهنگ های جهان است. این الگو این امکان را پدید می آورد که تمامی کشورهای جهان، با هزینه خودشان و با تلاشی همه جانبه برای آموزش فرزندانشان، در اصل انسان هایی با ملیت آسیایی و آفریقایی و ... و با هویت و فرهنگ و تربیت آمریکایی به وجود بیاورند. واضح است که چنین طرحی در آینده ای نه چندان دور منجر به سیطره کامل آمریکا بر همه شئون جهان خواهد شد، بدون نیاز به لشکرکشی و جنگ.

برخی اهداف این سند با سیاست های اصولی جمهوری اسلامی در تضاد آشکار است. یکی از برنامه های ۲۰۳۰ به اصطلاح حذف خشونت در درس های دانش آموزان است؛ اما این مورد با تعریف غربی ها باید مطابقت پیدا کند. حذف درس هایی مانند شهید فهمیده در برخی از کتابهای درسی و استفاده نکردن از کلماتی مانند ایثار، شهادت و جهاد از جمله اهداف خزنده و پنهان سند ۲۰۳۰ است.

آیت الله خامنه ای در دیدار با فرهنگیان به این موضوع اشاره کرده بودند. ایشان گفتند: این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرف ها، این ها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه اش را زیر بار این ها بدهد و تسلیم این ها بشود... اگر چنانچه با اصل کار شما نمی توانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید بگوئید جمهوری اسلامی خودش ممشی دارد، خط و ربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم... بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم کله مند هستم؛ آنها باید مراقبت می کردند، نباید اجازه میدادند این کار تا اینجا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیه بشویم. اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب ویرانگر فاسد غربی بتواند در اینجا اینجور اعمال نفوذ کند.

در پایان از همه دوستان و همکاران تقاضا دارم با دید وسیع پیش بروید و با عقل و درایت خود اجازه نفوذ قدرت های بزرگ به ملت اسلامی را ندهید.



## تب کرونا،

# چهره تبعیض و عدم عدالت آموزشی را برافروخته تر کرد

امیررضا اسعدی

دانشجوی علوم اجتماعی پردیس شهید آیت نجف آباد

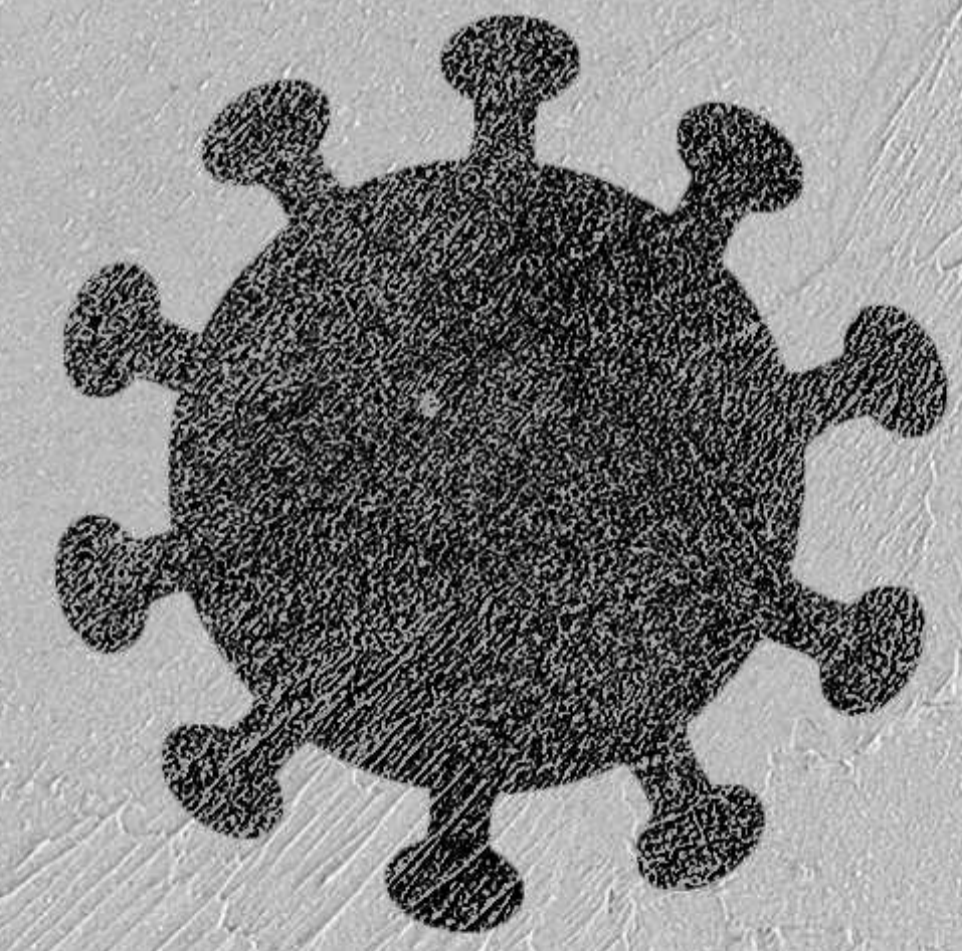
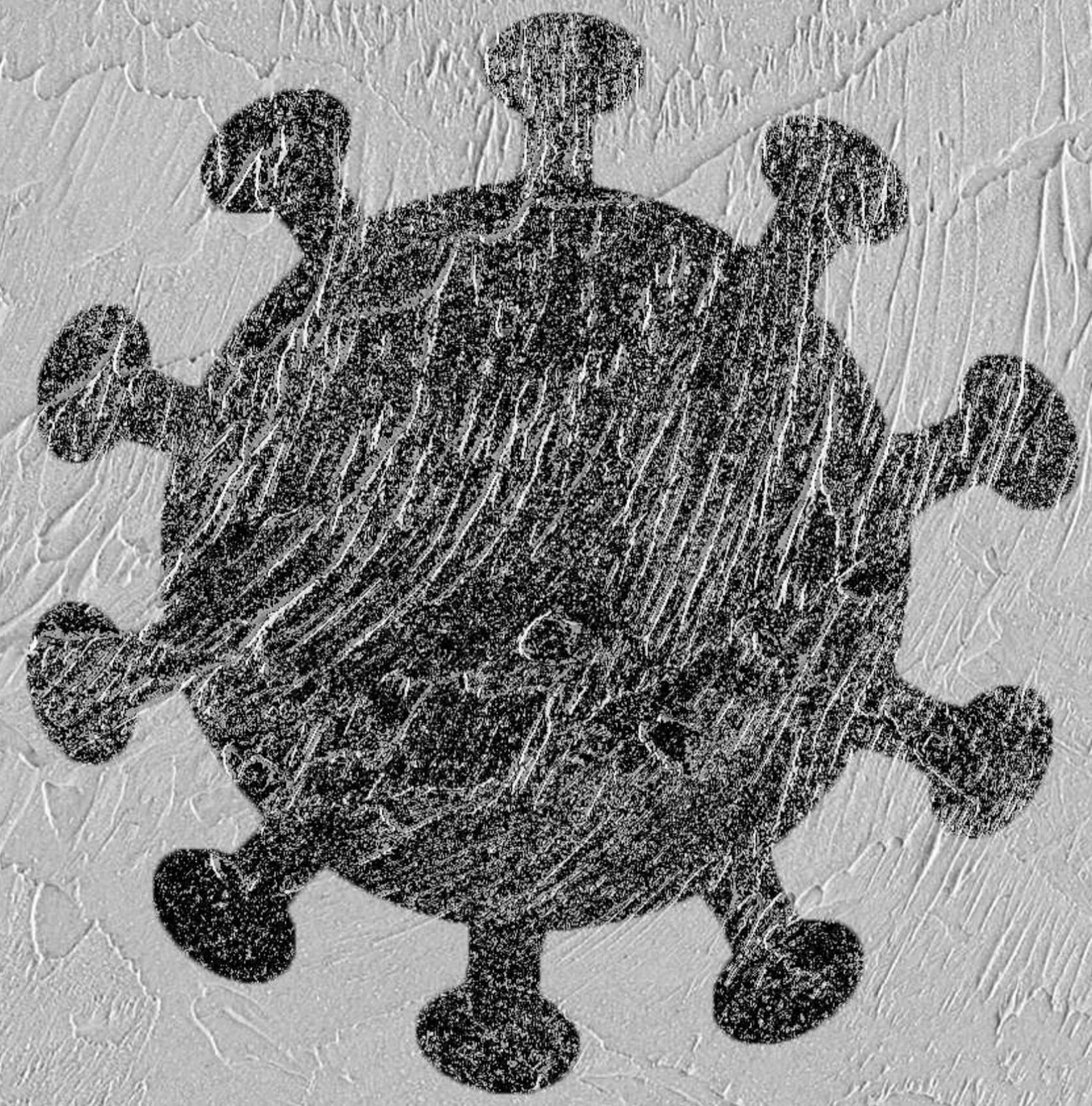
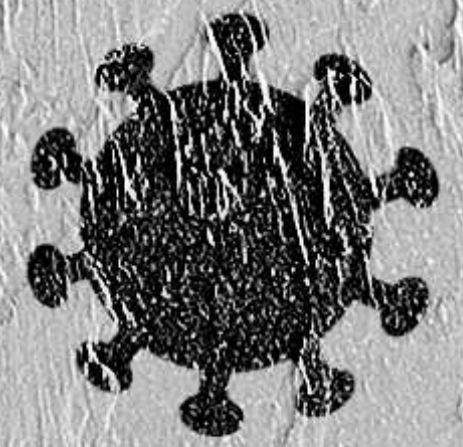
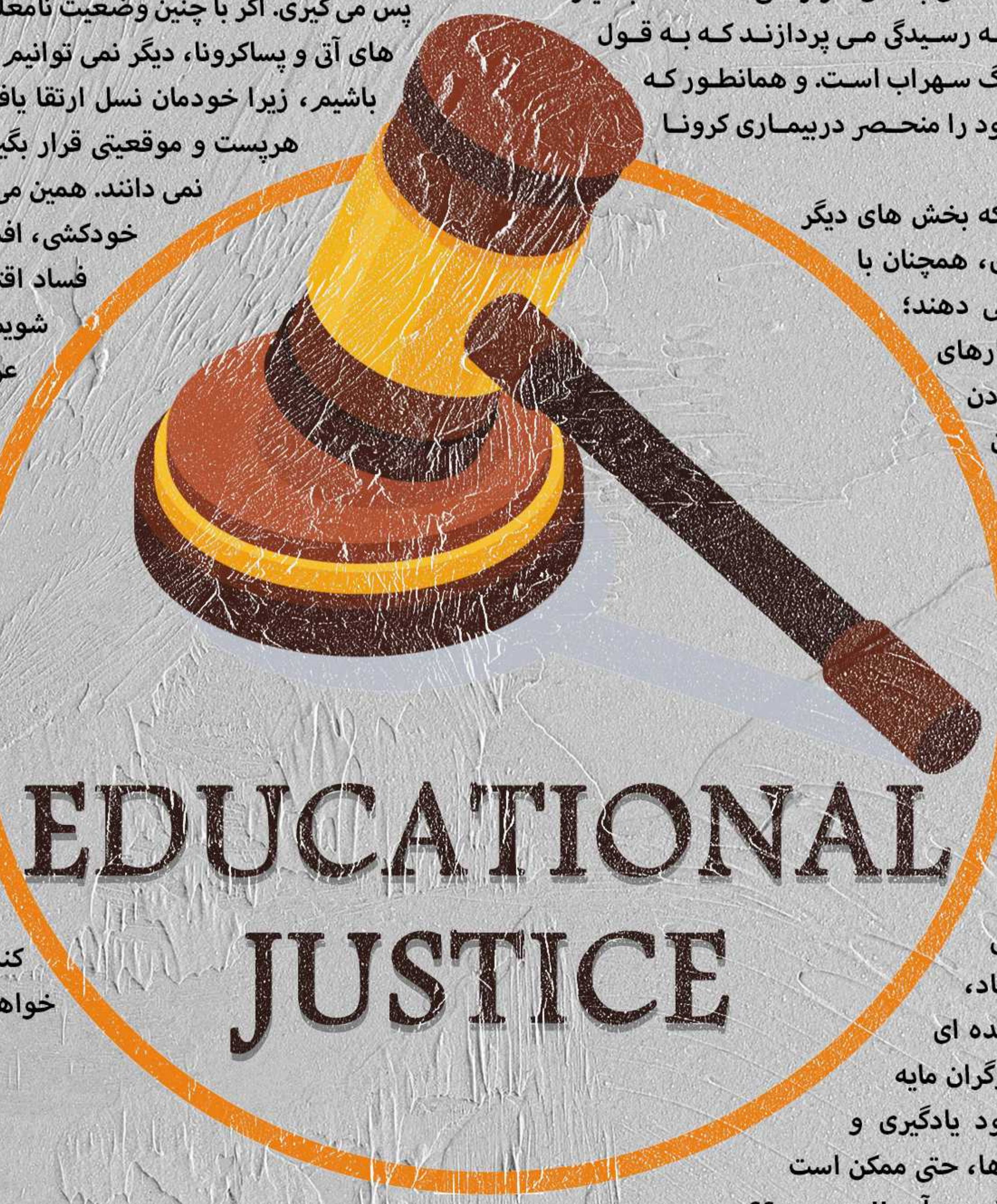
بی شک، همواره ناعدالتی و بی تفاوتی در تمام سطوح جامعه از جمله بخش آموزش و پرورش بوده، هست و خواهد بود؛ اما نکته قابل تأمل در این موضوع آن است که با شیوع ویروس خطرناک کرونا، چهره تبعیض و بی عدالتی نمایان تر شده و در بسیاری از موارد صدای اعتراض آموزشیشان کشور (معلمان، دبیران، اساتید و فراگیران) را رساتر کرده است و اکنون به جنبشی همگانی تبدیل شده است؛ زیرا میدانیم که همه ارکان های جامعه در تقاطع و رابطه تنگاتنگ با یکدیگر هستند که کاملا از هم اثر می گیرند و می پذیرند؛ به نحوی که تأثیر منفی و نا موزون یک نهاد بر سایر نهاد های جامعه اثرات مستقیم و غیرمستقیمی دارد و از آنجایی که اگر، نهاد آموزش و پرورش که نهادی است، سازنده، پیشرو و بن مایه اصلی تحولات اجتماعی، آسیبی را متحمل شود، آسیبی بزرگ، سخت و سنگینی بر پیکره جامعه و فرهنگ و شیوه زندگی مردم وارد می شود که در صورتی که رفع مشکل نشود و با بی توجهی روبرو شود، میتواند به یک بحران در کشور تبدیل شود که علاوه بر ساختار داخلی و سیاست گذاری های داخلی، بر ظاهر و باطن روابط دیپلماسی و خارجی کشور، خسارات آشکاری وارد می کند و به راحتی میتواند سند چشم انداز کشور را به تأخیر بیندازد.

در بحبوحه کرونا، ناعدالتی و بی توجهی، زمانی مشخص میگردد که می بینیم، هنوز بعد از گذشت تقریباً یک سال کرونایی، همچنان زیرساخت های آموزشی جدید (مجازی)، همانند نرم افزار و برنامه های آموزشی (مانند شاد، سامانه Lms و...) کارایی لازم و درخور شخصیت دانش آموزان و اساتید آنان را نداشته و نتوانسته در این مدت چهره شاخص و مفیدی از خود بر جای بگذارد و همواره و در هر زمان درسی، مشکلات تکراری پدیدار می شود و بیش از نیمی از اوقات تدریس، صرف رفع مشکلات از قبیل: قطعی صدا، کیفیت تصویر، راهنمای ورود فراگیران و گلایه فراگیران نسبت به برنامه های آموزشی شان می شود و فقط زمان نسبتاً محدودی به تدریس تعلق می گیرد و خودتان بهتر می دانید که در حین و پس از حاشیه های آموزش مجازی، دل و دماغی برای فراگیران باقی نمی ماند و کمترین بهره موجود را از مطالب درسی می گیرند که جای تأسف دارد.

پس موضوع برایتان آشکار گردید و می توان از موارد بالا، بدین صورت نتیجه گیری کرد که اوقات طلایی عمر و سال تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان به بطالت...بله!! به جرات می گویم به بطالت گذرانده می شود و نه فراگیران مطالب لازم و کاربردی را یاد می گیرند و نه اساتید و معلمان می توانند نتیجه دلخواه خود را دریافت کنند و چه بسا در اکثر اوقات، منظور مدرس به اشتباه یا ناقص به فراگیران منتقل می شود.

در این حین، تذکرات جدی بر مسئولان آموزش و پرورش و دیگر دست اندرکاران وارد شده که تاکنون، متأسفانه نتیجه لازم و دلخواهی اخذ نشده است و گویی مسائل دیگر ارکان ها را بر شاه کلید جامعه و اصلی ترین و حساس ترین بخش اجتماع، ارجحیت می دهند و یا آن را در اولویت های بعدی قرار می دهند که بسیار خنده دار است...!! و هنگامی به رسیدگی می پردازند که به قول معروف: نوشدارو بعد از مرگ سهراب است. و همانطور که شاهد هستیم، توجهات خود را منحصر در بیماری کرونا می کنند.

اگر واقع بین باشیم، می بینیم که بخش های دیگر دولتی یا همان لشکری و کشوری، همچنان با قوت به امورات خود ادامه می دهند؛ هرچند برای مقابله با کرونا، به کارهای محافظه کارانه ای همانند: کم کردن نفرت و اعضا، شیفتی کردن ساعات کاری خودشان، پاره وقتی و... روی آورده اند؛ اما همچنان تمام سعی خود را بر آن گذاشته اند که کمترین ضرر بر بدنه و هیئت آنان وارد شود و کارایی خود را همچنان حفظ کنند. اما با کمال تعجب و تأثر می بینیم که چطور آموزش و شیوه تدریس جدید (مجازی) با کمترین توجه و پیگیری انجام می شود و کسی دلش به حال این نهاد، شاه کلید پیشرفت جامعه در آینده ای نه چندان دور، نمی سوزد و عمرگران مایه ای که صرف انگیزه خیالی بهبود یادگیری و آموزش گذاشته می شود و ماه ها، حتی ممکن است سالیانی متوالی پشت سر گذاشته شود و آه...!! چه سود؟؟...



در گفت و گوی اخیری که با دانش آموزان متوسط اول و دوم داشته ام، دریافتم که آنان از همین سنین پایین، کاملا بر تبعیض و بی عدالتی ای که در حقشان می شود واقف هستند و آن را حس کرده اند. آنان به کثرت می گویند: چرا دیگر نهاد ها، همچنان و با کمترین تعطیلی امورات خود را پیش می گیرند و سعی در حفظ کیفیت و کمیت خود هستند ولی نهاد آموزش و پرورش در این شرایط کرونایی، تدبیری لازم و مفید در قبال یادگیری و تفهیم فراگیران ندارد و آنها را درمانده و به قولی از اینجا رانده و از آنجا مانده کرده است و به شدت احساس سرخوردگی و گمراهی در آنان افزایش یافته و کسی را دیدم که حرفی جالب می زد، او می گفت: عدالت و تلاش در سایر نهادهای جامعه معنا و مفهوم دارد ولی ما صرفاً تماشاگران عدالتیم. آری! قانون کارما همچنین است که می گوید از هر دستي بدهی از همان دست پس می گیری. اگر با چنین وضعیت نامعلوم و نا امیدانه پیش برویم، در سال های آتی و پساکرونا، دیگر نمی توانیم انتظار محقق شدن عدالت را داشته باشیم، زیرا خودمان نسل ارتقا یافته کنونی را پرورش داده ایم که در هر پست و موقعیتی قرار بگیرند، کاری جز تماشاگر بودن عدالت نمی دانند. همین می شود که الان با بحران های بیکاری، خودکشی، افسردگی، ناامیدی، بزهکاری اجتماعی، فساد اقتصادی و اجتماعی و... رو به رو می شویم. ظایماً جز این است؟؟ پس ای عزیزان و دست اندرکاران آموزش و پرورش جامعه بیایم به داد خودمان برسیم که هیچکس، بدتر از خودمان نمی تواند در حق خودمان ظلم کند و چه بسا ظلم بزرگی است که سایه هایش، آفتاب زیبای چشم انداز کشورمان را سیاه کند و چه سایه عجبی. اگر از همین بدو، نهال شروع به آبیاری درست شود، باغی بس آباد خواهیم داشت و اگر از همین لحظه، ریشه افکار و تصمیمات غلط کنده شود، گلستانی پر بار و کم آفت خواهیم داشت.





سجاد شیخ محمدی  
دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید آیت نجف آباد



در مورد عدالت آموزشی باید بگویم که در قانون اساسی کشور عزیزمان ایران، سه اصل برای تحقق عدالت آموزشی گنجانده شده است: اصل اول می گوید که همه افراد باید حق برخورداری از آموزش و پرورش را داشته باشند. اصل دوم می گوید آموزش و پرورش باید به صورت رایگان در اختیار عموم مردم قرار گیرد و اصل سوم می گوید که آموزش و پرورش باید حامل بیشترین مزایا برای محرومترین اعضای جامعه باشد تا فقر و محرومیت را ریشه کن سازد. خوب، اصل اول در کشور ما تا حدودی رعایت می شود اما اگر دانش آموزی به علت مشکلات مالی یا... نتوانست به ادامه تحصیل بپردازد دیگر آموزش و پرورش کشور پیگیر او نیست و عملاً در کشور قانون برای حمایت از این افراد نداریم.

# آموزش مجازی تا چه حد موفق بوده؟

اول اینکه خیلی از دانش آموزان تلفن همراه (گوشی) مناسبی نداشتند تا برای شرکت در کلاس ها از آن استفاده کنند. در کشور ما بیشتر گوشی ها وارداتی هستند و با قیمت به روز دلار خرید و فروش می شود. از طرفی کرونا واردات و صادرات کالاها را هم کاهش داد و باعث شد تا قیمت گوشی، به علت نبود تعداد کافی و تقاضای زیاد افزایش چشمگیری یابد که همین مسئله، دانش آموزان کم بضاعت و خانواده هایشان را با مشکل اساسی برای خرید این گوشی ها مواجه کرد. از طرفی هم رفتن به خانه دوستان و گرفتن اطلاعات و اخبار دروس، شرمساری زیادی را هم برای دانش آموزانی که گوشی نداشتند و هم برای خانواده هایشان به همراه داشت.



ششم اینکه علاوه بر مشکلات تهیه گوشی، تهیه اینترنت و برنامه شاد، خیلی از دانش آموزان کم بضاعت و یا به اصطلاح کودکان کار، در زمان قبل از کرونا یک شیفت مدرسه می آمدند و یک شیفت هم به سر کار می رفتند که متأسفانه با ظهور کرونا و مضاعف شدن مشکلات اقتصادی خانواده، مجبور می شدند دو شیفت به سر کار بروند و شب، خسته و کلافه به سراغ درس می آمدند.

این روندی در پی باعث شد تا برخی از دانش آموزان از این بی عدالتی ها خسته شوند و به فکر ترک تحصیل و ورود به بازار کار بیفتند. با همه این تفاسیر به این نتیجه می رسیم که ویروس کرونا باعث شد تا عدالت آموزشی در مناطق محروم باز هم نقض شود. راستی، دیگر امسال برای آنهایی که به کلاس اول ابتدایی می روند همانند سابق، ماندگار و فراموش نشدن نیست، چرا که شروع رنگ و بوی مدرسه را ندارد و احتمالاً دانش آموزان و والدین دیگر علاقه ای به بازگشایی مدارس ندارند چرا که مشکلات یاد شده در مطالب فوق، عدالت آموزشی را بیش از پیش نابود کرده است.

در رابطه با اصل دوم شواهد و قرائن حاکی از آن است که در استان های مانند تهران و البرز مبلغ دریافتی از والدین برای ثبت نام دانش آموزان حتی بالای ۱۰ میلیون تومان هم رسیده است، در استان اصفهان این مبلغ در حدود یک و نیم میلیون تا ۵ میلیون تومان است و در شهرستان های اصفهان در ابتدای سال تحصیلی مدارس دولتی که به قولی در آنها آموزش رایگان است از هر دانش آموز مبلغ ۲۰۰ هزار تومان بابت هزینه های آب و برق و گاز و امور مدرسه گرفته می شود و شاید جالب باشد بدانید که بعضی از خانواده هایی که دارای چندین فرزند هستند از عهده تامین این مبلغ ناچیز هم بر نمی آیند و این مسئله یک نوع مشکل روانی را در خانواده ها به وجود آورده است و دانش آموزان از همان دوران بچگی مقدمات فاصله گرفتن شان از تحصیل و یا ترک تحصیل فراهم می شود.



اصل سوم هم که گویی در برخی مناطق اصلاً انجام نمی شود چرا که در مناطق محروم حتی کلاس درس و معلمی هم وجود ندارد تا به این اصل جامه عمل بپوشاند. مدارس تیزهوشان نیز خود به نوعی تبعیض را چند برابر کرده است. اولاً همه تیزهوشان نمی توانند به خاطر مشکلات مالی عضو این مدارس شوند، از این گذشته، مدارس تیزهوشان، شاهد و نمونه دولتی، نسبت به مدارس دولتی از امکانات و تجهیزات بیشتری برخوردارند و این نابرابری و بی عدالتی آشکار به نفع محروم ترین اعضای جامعه نمی باشد. فاصله تحصیل بین مناطقی که از این مدارس برخوردارند با مناطق نا برخوردار آنقدر زیاد شده که حتی آزمون سراسری (کنکور) نیز با پذیرش این نابرابری، بر اساس دسته بندی مناطق محروم انجام می گردد. حال با هم نگاهی به نتایج کنکور ۹۹ بیاندازیم. بررسی نتایج برترین های کنکور نشان می دهد که ۶۷ درصد از برترین های کنکور از مدارس سمپاد، ۱۸ درصد از مدارس غیر انتفاعی، ۱۰ درصد از مدارس نمونه دولتی و فقط ۵ درصد از مدارس دولتی بوده اند. این نتایج به وضوح نشان می دهد که عدالت آموزشی در کشور تحقق نیافته است. حال در این گیر و دار نبود عدالت آموزشی در کشور، امسال شاهد حضور ویروس منحوسی به نام کرونا هم هستیم. ویروس که با حضورش نعمت کلاس حضوری را از دانش آموزان سلب کرده و آنها را خانه نشین کرده است. بعد از شیوع ویروس کرونا و تعطیل شدن کلاس های حضوری، مشکلات فراوانی برای دانش آموزان به وجود آمد که تب عدم عدالت آموزشی را در در چند مرحله برافروخت.



دوم اینکه بعضی خانواده ها توانستند برای فرزندان خود گوشی تهیه کنند اما هزینه های اینترنت، نبود اینترنت پرسرعت و حتی در بعضی مناطق نبود دکل اینترنتی هم مشکلات دیگری بود که پیش روی خانواده ها گذاشته شد.

سوم اینکه بعضی از دانش آموزانی که موفق به تهیه گوشی و اینترنت می شدند با فضای مجازی و نحوه کار با آن آشنا نبودند و مدام سرگردان و گمراه می شدند و از کلاس درس جا می ماندند.

چهارم اینکه اغلب مطالب آموزشی و تدریس و... در برنامه شاد انجام می شد که کندی سرعت آن، دانش آموزان و خانواده ها را کلافه کرده بود. این مشکل کندی سرعت و نبود زیرساخت و قابلیت لازم در این اپلیکیشن، کماکان پابرجاست. پنجم اینکه امتحانات آنلاین هم معطلی بود، چرا که قطع شدن اینترنت و یا نگرانی و استرس از قطع شدن آن حین امتحان، باعث می شد تا دانش آموز نتواند نمره مطلوب خود را از امتحان بگیرد و یا با قطع شدن اینترنت اصلاً نمره ای نمی گرفت.



پوریا موحدی

دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید آیت نجف آباد

طی بیش از سه دهه گذشته، تغییرات گوناگونی در عرصه آموزش و پرورش کشور صورت پذیرفته است که از مهمترین آنها افزایش تنوع مدارس است. روند شکل‌گیری تنوع مدارس در ابتدا با کاهش وابستگی مدارس به بودجه دولتی صورت پذیرفت و به تدریج با معطوف شدن این تنوع به ویژگی‌های دانش آموزان و اهداف و ارزش‌های موسسان مدارس، تنوع مدارس افزایش یافت. در حال حاضر این تنوع هم در نوع میزان وابستگی انواع مدارس به بودجه دولتی می‌باشد و هم در انواع ویژگی‌های دانش آموزان، وابستگی به سازمان‌ها و ارگان‌ها و اهداف و ارزش‌های موسسان مدارس و برخی شرایط ویژه دیگر. در مجموع امروزه بیش از ۲۴ نوع مدرسه در کشور مشغول آموزش مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه می‌باشند که تنوع قابل ملاحظه‌ای محسوب می‌شود. بنابراین در کشور ما تنوع مدارس از جنبه‌های گوناگون بسیار حائز اهمیت تلقی شود زیرا هم دارای آثار مثبت برای نظام آموزش رسمی کشور است و هم عوارض منفی جدی برای آن ایجاد می‌نماید.

آثار مثبت غیر اقتصادی:

۱. تامین نیازهای متنوع مردم و حق انتخاب آن‌ها درباره نحوه تحصیل فرزندانشان
۲. از بین رفتن انحصار دولتی در تحصیلات
۳. افزایش کیفیت تحصیلات و آموزش
۴. ارتقاء انواع روش‌های آموزش در شکل و محتوا
۵. ایجاد تنوع در روش‌های اداره مدارس
۶. فراهم آوردن شرایط ایجاد ابتکار و خلاقیت متولیان در زمینه‌های آموزشی، تعلیم و تربیت و اداره مدارس
۷. ایجاد رقابت بین مدارس جهت ارائه خدمات آموزشی بهتر
۸. فراهم آوردن شرایط تحصیلی ویژه برای دانش آموزان خاص (نخبه، تیزهوش، مستعد)



آثار منفی غیر اقتصادی:

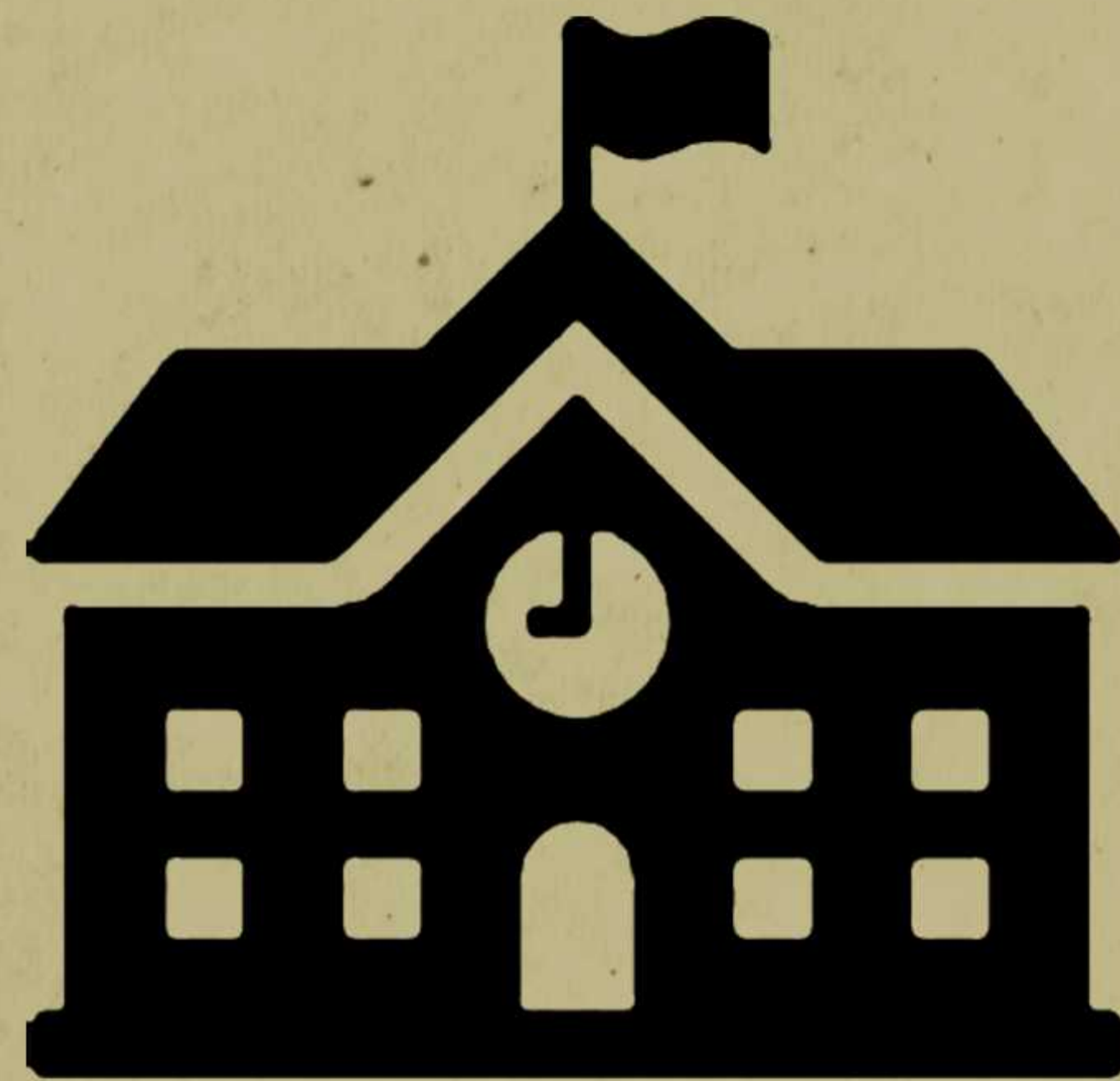
۱. ترویج بی‌اعتمادی به بهره‌وری آموزش مدارس دولتی
۲. ایجاد بی‌عدالتی و نابرابری فرصت‌های آموزش جامعه
۳. ایجاد احساس تبعیض، اجحاف، برچسب‌تبی، نگرش منفی نسبت به مدرسه، کاهش انگیزه و امید به پیشرفت
۴. کاهش نظارت و نبود شاخص‌های ارزیابی فعالیت‌های مدارس غیردولتی
۵. تهی شدن مدارس دولتی از دانش آموزان مستعد، الگوی تاثیرگذار و برهم خوردن تعادل طبیعی و اجتماعی این مدارس
۶. فراهم شدن زمینه آموزشی برای موفقیت بیشتر فرزندان طبقات بالای جامعه در تحصیل از طریق جلب معلمان و امکانات آموزشی برتر

آثار مثبت اقتصادی:

۱. جلب و توسعه مشارکت‌های اقتصادی مردم در تاسیس و اداره مدارس
  ۲. کاهش فشار بر منابع مالی آموزش و پرورش و تنوع بخشی به منابع مالی آن
  ۳. کمک غیرمستقیم اقتصادی به تامین هزینه تحصیلات دانش آموزان طبقات پایین اجتماعی به واسطه رهایی دولت از پرداخت هزینه تحصیلات فرزندان طبقات بالای جامعه که در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند.
- آثار منفی اقتصادی:
۱. طبقات و دو قطبی شدن تحصیلات در جامعه به دلیل ایجاد زمینه اقتصادی برای جلب معلمان و امکانات آموزشی برتر به مدارس طبقات بالای جامعه
  ۲. افزایش بی‌رویه شهریه‌ها در مدارس خصوصی برتر جامعه و تاثیر آن بر افزایش شهریه مدارس خصوصی دیگر و درخواست افزایش مشارکت‌های اقتصادی مردمی در دیگر انواع مدارس دولتی و فشارهای اقتصادی به طبقات پایین جامعه در شرایط نبود برخورداری از کیفیت آموزش مناسب.



نبود موازنه بین حقوق اجتماعی و عدالت آموزشی و از یک سو نبود برنامه ریزی و تعریف شرایط علمی تامین مصالح عموم جامعه و دولت در کشور ما از جمله مجموعه عواملی است که عوارض و آثار منفی تنوع مدارس جامعه ما را بر عوارض و آثار مثبت آن برتری بخشیده است. به طور کلی توزیع نابرابر امکانات و فرصت‌های آموزشی، بی‌عدالتی آموزشی و به تبع آن کارکردهای منفی ساختار آموزش را فراهم آورده است. افزایش مدارس غیر دولتی و حذف هزینه‌های آنها از بودجه آموزش و پرورش هیچ کمکی به بهبود وضعیت آموزشی مدارس دولتی نکرده است که هیچ، خود موجب بروز بسیاری از تعارضات و تبعات منفی اجتماعی بین آموزش و پرورش و جامعه شده است. نمی‌توان نگاه یک طرفه به تنوع مدارس داشت و بر کاهش یا حذف آن اصرار ورزید و از آن جا که وجود تنوع مدارس در جامعه اجتناب ناپذیر است باید اقدامات و سیاست‌گذاری‌های آموزش و پرورش در جهت اینکه چگونه می‌توان جنبه‌های منفی تنوع مدارس را نسبت به جنبه‌های مثبت آن تعدیل نمود، تدوین گردند.





# آموزش مجازی، فرصت‌ها و تهدیدها

علیرضا یوسفان  
دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید آیت نجف آباد

تعریف آموزش مجازی  
آموزش الکترونیک یا مجازی همراه با پیدایش و گسترش اینترنت ایجاد گردید. آموزش مجازی دلالت بر آن نوع آموزش دارد که شاگرد و معلم از نظر زمان یا مکان یا هر دو از یکدیگر جدا هستند و معلم محتوای درس را از طریق منابع چند رسانه ای، اینترنت و... در اختیار دانش آموزان خود می‌گذارد. در نهایت نوعی از آموزش و یادگیری رقم می‌خورد که به آن آموزش و یادگیری الکترونیک یا مجازی گویند.

آموزش مجازی بر اساس سیستم به دو جزء تقسیم می‌شود

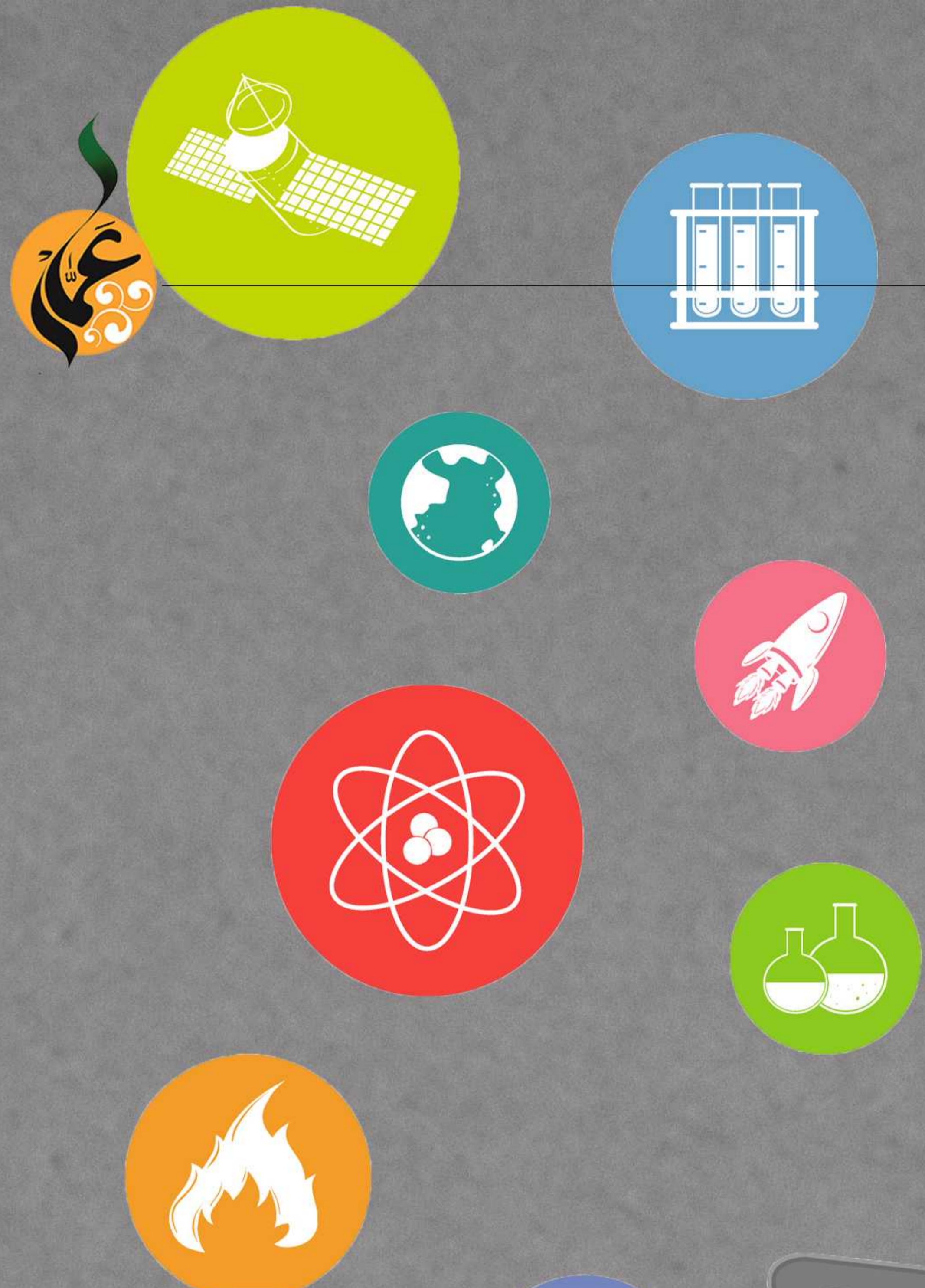
۱- سیستم آموزشی هم زمان  
دلالت بر آن نوع آموزش‌های مجازی دارد که معلم و شاگرد به صورت هم زمان و آنلاین فرایند یاددهی و یادگیری را رقم می‌زنند. مثل: کنفرانس ویدئویی دو طرفه که دانش آموز و معلم صدا و تصویر یکدیگر را هم زمان در اختیار دارند یا کنفرانس صوتی دو طرفه که فقط صدای یکدیگر را به صورت همزمان می‌شنوند.

۲- سیستم آموزشی غیر هم زمان  
شامل آن دسته از آموزش‌های مجازی می‌شود که دانش آموز و معلم به صورت غیر همزمان یا آفلاین فرایند یاددهی و یادگیری را رقم می‌زنند. مثل: استفاده از ضبط ویدئویی یا ضبط صوتی آموزش و ارائه آن به دانش آموز.

- فرصت‌های آموزش مجازی
- کاهش هزینه‌های آموزشی
  - ایجاد فرصت آموزشی برابر
  - عدم نیاز به حضور فیزیکی و رفت و آمد
  - هزینه به نسبت کمتر برای آموزش
  - تنظیم سرعت یادگیری
  - آموزش محتوای مورد نیاز به صورت منسجم و منظم
  - دسترسی مجدد و چند باره به مطالب درسی
  - امکان استفاده از محتوا حین سفر یا کار
  - ایجاد انگیزه برای استفاده مثبت از فضای مجازی
- چالش‌های آموزش مجازی
- کمرنگ شدن نقش مدرسه در تربیت افراد جامعه
  - عدم دسترسی مناطق و خانواده‌های محروم به امکانات آموزش مجازی
  - آزادی و رها شدگی افراطی دانش آموزان
  - عدم وجود موقعیت مناسب برای ایفای نقش تربیتی و مهارت آموزی
  - نیازمندی بی سابقه به تجهیزات و امکانات خاص برای آموزش مطلوب در بستر فضای مجازی
  - لزوم یادگیری سواد رسانه و فرهنگ استفاده از آن برای مخاطبان و استفاده کنندگان از آموزش مجازی
  - تبدیل شدن آموزش مجازی به یکی از زمینه‌های بروز انزوای اجتماعی در کاربران
  - ایجاد محدودیت برای آموزش و یادگیری عینی و چند حسی (در آموزش مجازی فقط حواس شنوایی و بینایی افراد درگیر است).
  - احتمال بروز خرابی و اختلال در عملکرد نرم افزارهای مجازی و شبکه‌های اینترنتی

آموزش مجازی یکی از دستاوردهای پیشرفت تکنولوژی در عصر کنونی است که محدودیت‌های زمانی و مکانی را به نوعی از میان برداشته است و در تسهیل و آسان‌سازی فرایند آموزش بسیار موثر بوده، اما باید دانست که این پدیده نوین علاوه بر مزایا و فرصت‌هایی که ایجاد کرده، چالش‌هایی را نیز به دنبال دارد و می‌تواند به عنوان تهدید عمل کند و اثرات منفی و مخرب را بر جای بگذارد.

ما معلمان و دانشجو معلمان به عنوان عناصر و محورهای مهم فرهنگی و تربیتی جامعه، مکلفیم تا با کسب شناخت و مهارت در این حیطه از فرصت‌های فراهم شده در این بستر مجازی استفاده کنیم و در بر طرف کردن چالش‌ها و معضلات مربوط به آن کوشا باشیم و همچنین به نقش و مسئولیت خود در این حوزه به خوبی عمل کنیم و نیز نگرش و جهت‌گیری مناسب در این عرصه را اتخاذ نماییم.





# سنگر مقاومت آموزش همگام با COVID-19

محمد علی شاهچراغی

دانشجوی علوم تربیتی پردیس باهنر اصفهان

تمایز آموزش و یادگیری تنها بر بستر محیط و ابزار استوار است. مرزی که در ببحوه آشفتنی جدید بشر امروزی، شدتش افزوده می شود. لکن دانش تنها سلاح در مواجهه با این تهدید جهانی است و معلمان پا به پای سایر ارکان در جهت ارتقای وضعیت کنونی در تلاش و پیکارند. جلوه این از خود گذشتگی در استفاده همه جانبه آن ها از تمامی ابزارها و امکانات موجود در جهت نشر علم هویداست. ابزار هایی که کمک یاری در این پروسه عظیم بوده و در ادامه به بررسی برخی از آن ها خواهیم پرداخت :

**PhET**

Phet . ۱

این نرم افزار به دانش آموزان کمک می کند تا بتوانند پدیده های علمی که نمی توانند ببینند را در محیطی پویا و جذاب و با استفاده از کنترل های فیزیکی، مستقیماً مشاهده کنند و بدین ترتیب درک درست و تصویر ذهنی ماندگارتری از موضوع آموزشی داشته باشند. نرم افزار تعاملی PhET با ارائه بیش از ۱۲۰ شبیه سازی، تدریس و یادگیری دروسی نظیر فیزیک، شیمی، زیست شناسی، زمین شناسی و ریاضی را بهبود می بخشد. این نرم افزار محصول دانشگاه کلورادو است و بخش فارسی نیز دارد. این نرم افزار بسیار مناسب دروس شیمی و فیزیک و حتی علوم ابتدایی بوده و می توان آزمایش های مختلف را در قالب یک آزمایشگاه

۲. اپلیکیشن آموزشی نمره بهتر



این اپلیکیشن آموزشی برای کودکان و نوجوانان در مقاطع پیش دبستانی تا دهم (مقطع متوسطه دوم) طراحی شده است. دروس پیش دبستانی تا ششم ابتدایی به صورت صوت و تصویر تهیه شده اند. در این نرم افزار از کل محتوای کتاب درسی سوالات چهارگزینه ای طرح شده است. دانش آموز به سوالات پاسخ میدهد و پس از تصحیح پاسخ توسط این اپلیکیشن آموزشی متوجه اشتباهش می شود. طراحی سوالات توسط معلمان متخصص همان درس انجام شده است. برای درس های پیش دبستانی، اول و دوم ابتدایی کلیه مطالب تصویرسازی شده اند. همچنین در این اپلیکیشن آموزشی کاربر میتواند آزمون هایی را فراهم کند تا دانش آموز با شرکت در این آزمون ها برای امتحانات مدرسه آماده شود.

به کمک نرم افزار نمره بهتر می توانید فصل های خوانده شده را مشخص کنید و در هر مبحث میتوانید یادداشت هایی درج کنید. حتی در صورت لزوم، دانلود فایل پی دی اف کتاب درسی امکان پذیر است. در این اپلیکیشن آموزشی ویدیوهای آموزشی نیز وجود دارند که برای عموم مناسب هستند.

۳. Articulate Storyline



نرم افزار استوری لاین (Storyline) یک نرم افزار تولید محتوای الکترونیکی و آموزشی به صورت اسلایدشو است که امکانات بسیاری از نرم افزارها را به صورت یک جا در خود جای داده است. این نرم افزار در واقع نسخه توسعه یافته نرم افزار پاورپوینت است. این نرم افزار مهم ترین نرم افزار تولید محتوای الکترونیکی است که در عین داشتن محیطی ساده و کاربرپسند، با زبان فارسی هم سازگار است.



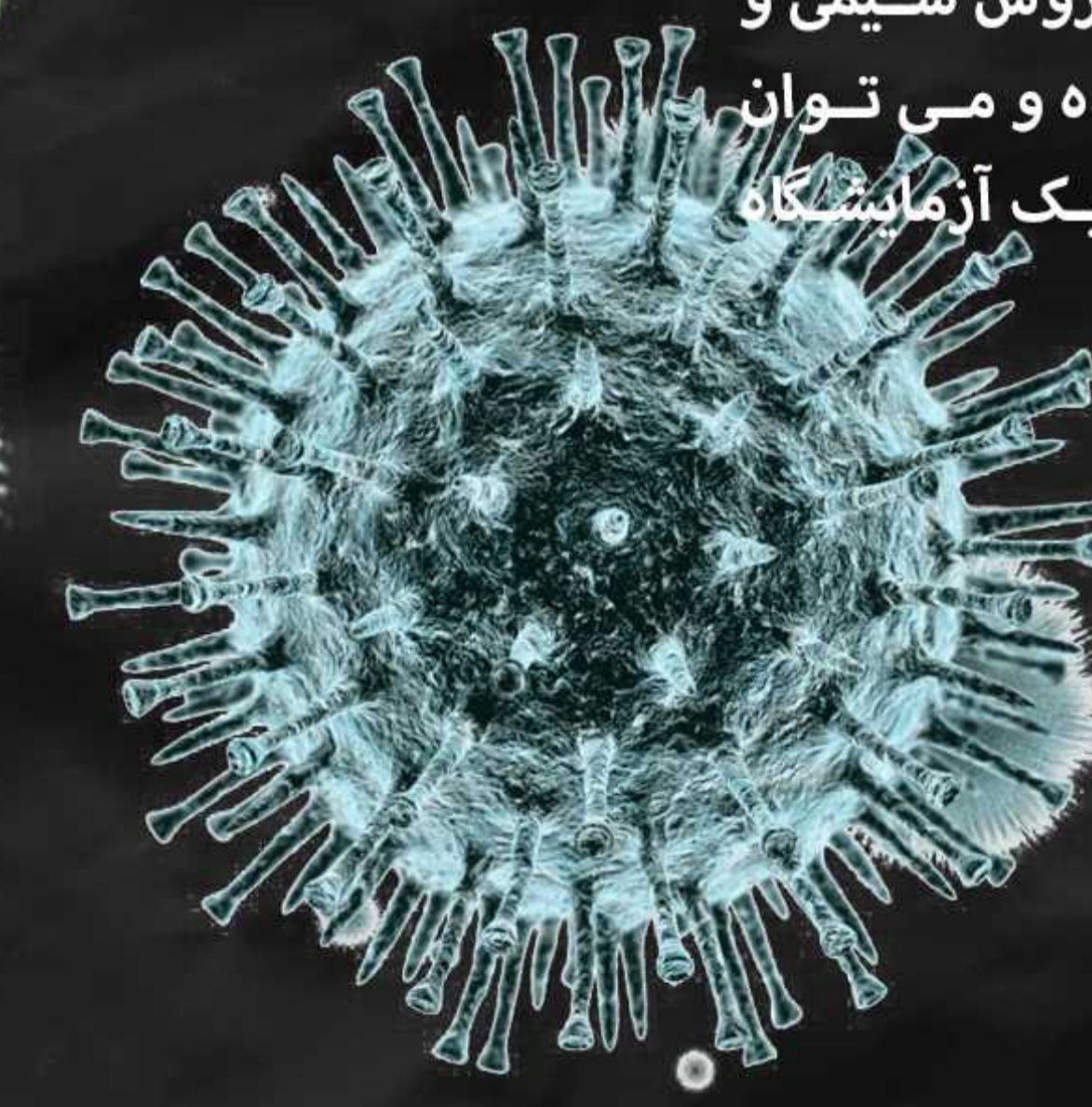
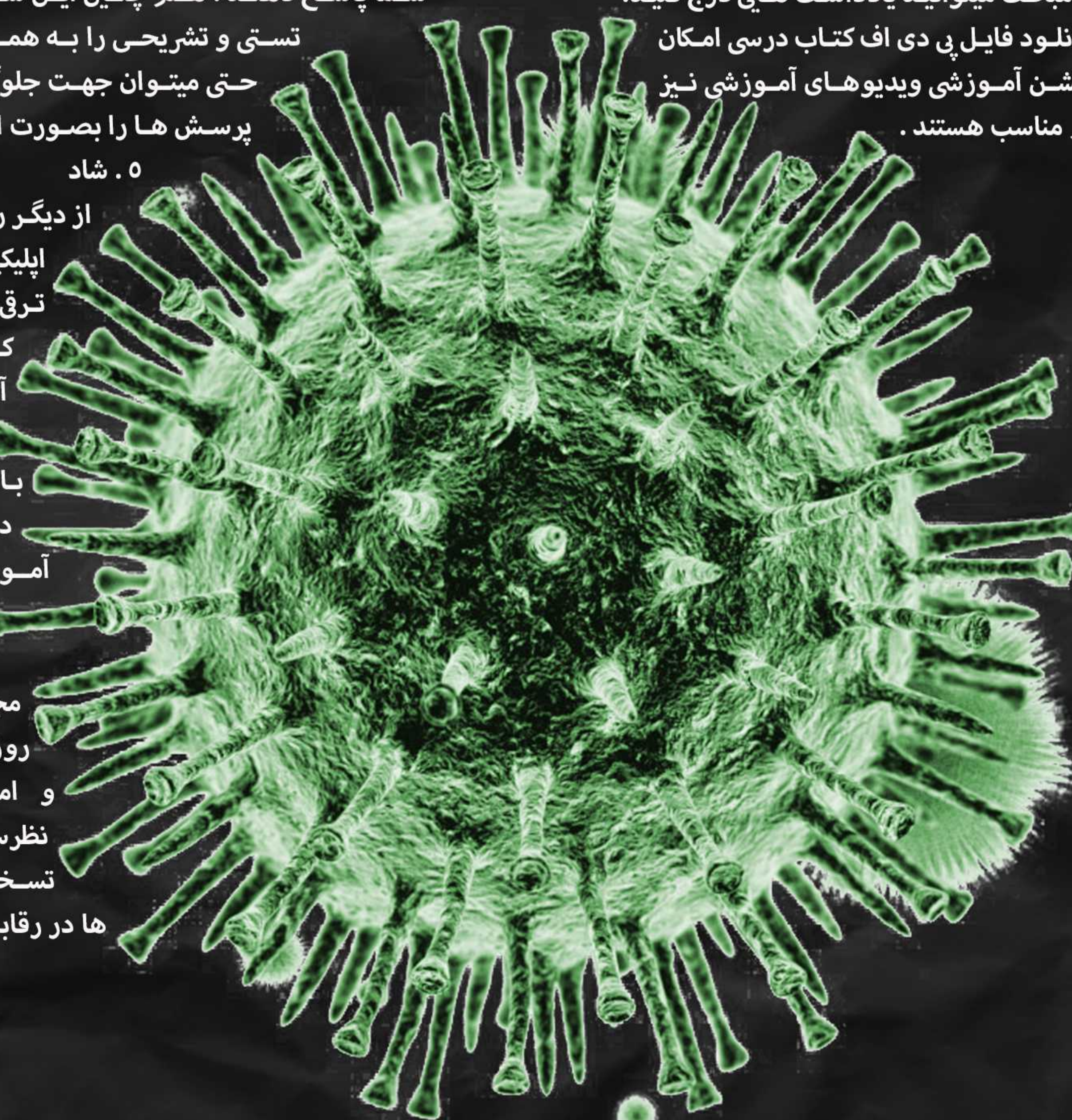
۴. گوگل فرم

یکی از نرم افزارهای جالب تحت وب که می توان برای طراحی آزمون از آن استفاده کرد، به فرم ساز گوگل معروف می باشد و به صورت رایگان در اختیار تمام مردم جهان قرار داده شده است. که علاوه بر فرم های نظرسنجی با استفاده از همین فرم سازهای گوگل کروم می توان آزمون های آنلاین هم طراحی کرد. یکی از نیازهای فعلی دانش آموزان این است که بدون نیاز به حضور در مدرسه بتوانند به سوالات طرح شده از طرف شما پاسخ دهند. هم چنین این سامانه امکان طراحی انواع سوالات تستی و تشریحی را به همراه قابلیت نمره دهی دارا بوده و حتی میتوان جهت جلوگیری از تقلب ترتیب پاسخ ها و یا پرسش ها را بصورت اتوماتیک برای هر فراگیر تغییر داد.

۵. شاد



از دیگر راه های آموزشی خبرساز این روزها اپلیکیشن شاد است. ابزاری در نیمه راه ترقی که هنوز گام های زیادی برای طی کردن دارد. شبکه اجتماعی دانش آموزان برای آموزش (شاد) همان رابط کاربری نرم افزاری به نام بات ارتباط بین سامانه سناده که پایگاه داده اطلاعات مدارس، دانش آموزان، کلاس ها و معلمان است با پیام رسانهای داخلی را فراهم سازد و آموزش ها در فضای مجازی را ساماندهی کند. شاد این روزها با افزودن سامانه آزمون آنلاین و امکان حضور و غیاب در قالب نظرسنجی و سایر امکانات در بازی تسخیر فضای آموزشی با سایر پلتفرم ها در رقابت است.



۶. سامانه Lms

نرم افزار LMS یکی از راه های ایجاد ارتباط اینترنتی بین مدرس و دانش پذیر می باشد. ال ام اس (Lms) یکی از نرم افزارهای سیستم یادگیری الکترونیکی است که برای برگزاری دوره های آموزش مجازی استفاده می شود. سیستم Lms در واقع مخفف سیستم مدیریت یادگیری است. در این مدل از آموزش با تعداد محدودی مدرس می توان دانشجویان بسیاری را تحت آموزش قرار داد. اجرای این سیستم نوین آموزشی در اواخر دهه ۱۳۷۰ در دستور کار وزارت علوم، قرار گرفت. در سال ۱۳۸۲ اولین مؤسسه آموزش الکترونیکی وابسته به دانشگاه شیراز تأسیس و با توجه به گسترش فعالیت های آموزشی و افزایش تعداد دانشجویان، در سال ۱۳۸۶ این مؤسسه به دانشکده تبدیل شد. هم اکنون بسیاری از دانشگاه های مطرح کشور، واحدهای آموزش الکترونیکی خود را در قالب مراکز آموزش مجازی راه اندازی نموده اند که از جمله آنها می توان به دانشگاه بین المللی قزوین اشاره کرد که سیستم آموزش مجازی Virtual education system آن تحت حمایت شرکت پافکو می باشد. نرم افزار آموزش مجازی LMS در ظاهر یک وبسایت معمولی است و کاربر (دانشجو، استاد و یا مسئول) با اطلاعات کاربری خود به آن وارد می شود و با استفاده از انتخاب های موجود در پنل کاربری خود و بسته به دسترسی هایی که از جانب مدیر به او داده شده است، می تواند عملیات مختلفی را در وبسایت انجام دهد. این عملیات با توجه به قابلیت هایی که نرم افزار از آن پشتیبانی می کند، می تواند شامل عملیاتی مانند ثبت نام و انتخاب واحد، شرکت در کلاس آنلاین، مشاهده محتوای، مشاهده نمرات و غیره باشد.



## آموزش تعطیل نیست،

## تربیت چطور؟



سید علیرضا قائم مقامی  
دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید آیت نجف آباد

در جامعه امروزی با شیوع بیماری سهمناک کرونا که منجر به تعطیلی مدارس، دانشگاه ها و سایر موسسات آموزشی به صورت حضوری شده است و آموزش های این موسسات به صورت غیر حضوری و از طریق فضای مجازی صورت می گیرد که تاثیر زیادی در روند آموزش و پرورش گذاشته و کار را برای معلمان، اولیا و دانش آموزان دشوار کرده اما با این وجود سعی شده که روال آموزشی همچون سابق طی شود و علاوه بر آموزش، بفرایند تربیت نیز توجه ویژه ای بشود و عوامل تربیتی بتوانند خود را با شرایط جدید وفق دهند.

تکنولوژی های مدرن و جدید، کم کم جایگاه شان را در زندگی انسان امروز پیدا کرده اند. دنیای امروز دیگر بدون استفاده از این وسایل مدرن مانند گوشی های تلفن همراه، رایانه ها و اینترنت ممکن نیست. مخصوصا در این شرایط بحرانی کرونایی که همه چیز مجازی و آنلاین شده و این ارتباطات اکنون مهم ترین وسیله یادگیری و آموزش است.



با وجود اینکه تربیت امروزه به سوی تربیت بانکی (یعنی دانش آموزان در این فرایند منفعل هستند) رو آورده است، اما خالی از لطف هم نیست و به نوعی تربیت عمومی که بر تکوین و تعالی مداوم هویت متربیان با تاکید بر وجوه مشترک هویت است ادامه دار است. اما تربیت تخصصی که بخشی از جریان تربیت در راستای تکوین و تعالی پیوسته وجوه اختصاصی هویت بر بنیاد تکوین وجوه مشترک هویت است، ممکن است آنطور که باید و شاید تحقق پیدا نکند لذا همت روز افزون نهاد های خانواده و همچنین رسانه های آموزشی کشور را لازم است که تا این بحران کرونایی را پشت سر گذاریم و فرزندان این مرز و بوم را به نحو احسن تربیت کنیم تا آینده ساز کشور باشند.

همانطور که می دانید تربیت یعنی انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعداد های نهفته اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور هماهنگ پرورش داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب، به تدریج حرکت کند.

اما آیا با توجه به وجود بیماری کرونا شرایط انجام رفتار و گفتار مناسب از طرف متربی برای مربیان به صورت مجازی وجود دارد؟

همانطور که می دانید مهمترین عنصر تربیتی جوامع و بخصوص نسل نوحاسته ی دانش آموزان، نهاد خانواده می باشد و در نگاه اسلامی سلامت جامعه و رسیدن به جامعه ای سالم منوط به وجود خانواده های سالم و کارکرد مناسب آنها در همه ی ابعاد زندگی است. در واقع نهاد خانواده کوچکترین واحد اجتماعی و در عین حال تاثیر گذارترین واحد تربیتی در جوامع محسوب می شود، که امروزه و بانوجه به شرایط جدید جامعه وظایف تربیتی این نهاد بیش از پیش به چشم می خورد و باید برونند آموزش های مجازی و استفاده ی دانش آموزان از اینترنت و سایر فعالیت های مجازی آموزشی دقت لازم را داشته باشد.

# تربیت

اما!!!!

آیا تربیت نیز مثل آموزش ادامه دار هست یا نه؟

آموزش مجازی یا virtual learning و یا به عبارت دیگر آموزش الکترونیکی e-learning بر بستر اینترنت از راه دور امکان پذیر است. یکی از انواع آموزش مجازی و بی شک برترین نوع آموزش مجازی آن است که طی آن استاد و دانشجو در یک زمان مشخص وارد کلاس مجازی شده و در یک محیط مجازی با یکدیگر در تعامل قرار بگیرند. در آموزش مجازی آنلاین مدرس می تواند با ارائه فایل های پی دی اف و اسلاید های پاورپوینت و صدا و تصویر خود، مباحث آموزشی مورد نظر را با دانشجویان در میان بگذارد. اشتراک گذاری دستکاپ کامپیوتر مدرس و نمایش محیط نرم افزارهای مختلف به صورت زنده به فراگیران، امکان آموزش عملی موضوعات مختلف همچون کار با انواع نرم افزارها را ایجاد می کند که به این ترتیب آموزش به دانشجو ها و دانش آموزان داده می شود و آموزش تعطیل نیست و همچنان ادامه دارد؛

در این عصر چالش های گوناگونی پیش روی نسل جوان قرار دارد که می تواند بر تربیت دانش آموزان تاثیر بسزایی داشته باشد؛ مانند همین چالش مومو که چندی است ذهن دانش آموزان را به خود درگیر ساخته و تمرکز آنها را برهم زده است، اما خوشبختانه با اطلاع رسانی های شبکه های رسانه ای کشور خانواده ها از مخاطرات اینگونه چالش ها آگاه شدند و از این طریق تا حدودی جلوی مضرات آن گرفته شد؛ همچنین تدریس معلمان و دبیران در سامانه های شاد و ... علاوه بر آموزش محتوا، از طریق لحن بیان، نوع گفتار و بیان پندها و نتیجه های اخلاقی می تواند بر فرایند تربیت اثر بخصوصی بگذارد و می بینیم که همچنان علاوه بر آموزش، تربیت نیز همچنان ادامه دار است. اما اینگونه تربیت شاید در حد تربیت حضوری در مدرسه نباشد اما کمتر از آن هم نیست.





## تأثیر سیاست

# بر آموزش و پرورش



امیرحسین کاظم زاد  
دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید آیت نجف آباد

آموزش و پرورش، واژه ای آشنا و نزدیک به اذهان مردم، آنچنان نزدیک که در زمان شروع بیماری کرونا همه منتظر بودند تا ببینند آموزش و پرورش فرزندانشان به کجا خواهد کشید، آنچنان مهم که همه دولت های جهان از کوچک و بزرگ، قدرتمند و ناتوان، صنعتی و در حال توسعه، پرداختن به آموزش و پرورش مردم خود را در شمار وظایف اساسی می‌دانند و برای همگانی، سراسری و حتی اجباری کردن آن، تعهدات سنگینی در قانون های اساسی و بنیادی خود می گنجاندند و درصد زیادی از تولید ناخالص ملی و بودجه جاری و عمرانی کشور را به این امر مهم اختصاص می‌دهند.

امروزه به دلیل گسترش علوم و تجارب بشری و توسعه فناوری و پیشرفت های صنعتی، گرایش به سازمان های آموزش و پرورش امری فراگیر و جهانی شده است. به حدی که یکی از شاخص های مهم رشد هر جامعه را وسعت دامنه وظایفی می‌دانند که آموزش و پرورش آن به عهده گرفته است. و اما نهاد حاکمه سیاست، با تدابیر متعدد به عنوان یک اهرم بالادستی بر آموزش و پرورش فشار وارد آورده و گاهی باعث خسارت های جبران ناپذیری بر پیکره این سازمان می شود. در ذیل به تشریح رابطه میان نهاد سیاست و سازمان آموزش و پرورش می پردازیم.

۱. اهرم مالی و بودجه

امروزه این امر متداول است که آموزش و پرورش برای تامین مالی، وابسته به دستگاه سیاست و حاکمیت کشور باشد، همین تامین مالی ممکن است موجب وابستگی فکری، اعتقادی و ایدئولوژیک سازمان آموزش و پرورش به نهاد حکومت بشود. از سوی دیگر، میزان بودجه نهاد آموزش و پرورش در مقایسه با بودجه بخش های دیگر حکومت، نشان از اهتمام حکومت نسبت به تعالی این نهاد است؛ مثلاً، در کشور کانادا در سال ۱۹۷۰ تمام هزینه های آموزشی به عنوان بخشی از تولید ناخالص ملی (GNP) به بیش از ۹۰٪ رسید که در کشور ما این امر به خوبی مورد اهتمام نمی باشد. در برآورده سازی نیاز های مالی آموزش و پرورش، مطلوب آن است که مدارس و سایر مراکز تابعه تحت سیستم اوقافی تامین هزینه شوند.

۲. تدوین اهداف تربیت

هر نظام سیاسی، مبتنی بر فلسفه خاصی است. در فلسفه هر نظام سیاسی، به انسان و جهان به گونه ای نگریسته می شود، و انسان های ایده آل هر فلسفه از یکدیگر متمایز اند. بنابراین تربیت آن نوع انسان، مستلزم تدوین اهداف و برنامه های خاصی است که نظام سیاسی، جهت پرداختن به آنها به دخالت در نظام تربیتی روی می آورد و خط دهمی و تدوین اهداف را بر عهده می گیرد. در چنین شرایطی اهداف تربیت، خواسته های رسمی و غیر رسمی نظام سیاسی است.

۳. تهیه و تدوین محتوای کتب

در نظام تربیتی رسمی، محتوای خاصی در قالب کتب درسی آموزش داده می شود. محتوای مندرج در کتب چون تاریخ، ادبیات، معارف عمومی، جامعه شناسی، معارف دینی و... شديداً تحت کنترل سیاست قرار می گیرد و محتوا، متناسب با فلسفه سیاسی - عقیدتی سیاسيون تنظیم می گردد که نظام تربیتی باید در تحقق آن اهداف تلاش نماید. به عبارتی ساده تر می توان بیان داشت که، معلمان باید آنچه را تدریس کنند و دانش آموزان باید آنچه را بیاموزند که سیاسيون می خواهند. به عنوان مثال: پس از امضای سند ۲۰۳۰ درس پانزدهم کتاب هدیه های آسمانی پایه ششم با عنوان «رهبران کوچک» بود که به معرفی شهیدانی چون حسین فهمیده، بهنام محمدی، مهدی باکری، ابراهیم همت، عباس بابایی، حسن باقری و علی صیاد شیرازی می پرداخت و در نهایت حذف «سرزمین های همیشه سبز» اضافه شد. در این درس به بازدید دانش آموزان از مناطق عملیاتی جنوب در قالب اردو های راهیان نور و نام شهیدانی همچون شهید همت، زین الدین، بهنام محمدی، علی صیاد شیرازی، حسن باقری، مهدی باکری، ابراهیم همت و مصطفی ذکر شده است. اما خبری از شهید دانش آموز حسین فهمیده نیست. چرا؟ چون سیاسيون این سند را امضا کرده بودند و طبق این سند نباید داستان شهید فهمیده روایت می شد.



# وزارت آموزش و پرورش

۴. نوع حکومت و تربیت

مسئله دیگری که در رابطه با سیاست نظام تربیتی تحت تأثیر قرار می گیرد، نوع حکومت حاکم بر جامعه است. در جوامعی که حکومت های آزاد منشانه و دموکراتیک دارند، از آن جایی که احترام به وجود انسان و مهر تلقی کردن ارزش و وقار افراد بشر مد نظر می باشد و کلیه افراد مورد احترام و ارزش هستند و جنسیت، قدرت، نژاد، ملیت، طبقه اجتماعی، وضع اقتصادی، شغل، استعداد های فردی و ده ها عامل این چنینی عامل برتری و جدایی افراد یک جامعه از یکدیگر نمی باشند، نظام تربیتی سعی بر آن دارد که برای همه افراد جامعه بدون هیچ گونه تبعیضی از لحاظ مذهبی، سیاسی، طبقه اجتماعی و... به صورت یکسان و در برخی مواقع رایگان، خدمات تربیت ارائه نماید و نظام تربیتی را از انحصار خارج نماید. در چنین جامعه ای همان گونه که ایمان به صلاحیت مردم جهت اخذ تصمیم در مسایل مربوط به خود وجود دارد، در نظام تربیتی نیز این اعتقاد وجود دارد که فراگیران (با عقل و خرد خویش) صلاحیت این را دارند که در مورد برنامه های تحصیلی، روش های آموزشی، هدف های تربیتی و... اظهار نظر نمایند.

چنین اعتقادی، جریان تربیت را تحت تأثیر قرار می دهد تا جو آزاد منشانه در مدرسه ایجاد نماید و برای فراگیران این امکان را فراهم سازد که آنها به طور آزادانه رشد کرده و در تدوین برنامه ها دخالت نمایند. بهره مندی از علم و روش های علمی در برنامه ها از دیگر ویژگی های چنین جوامعی محسوب می گردد. بهرمندی از روش های علمی در برخورد با مشکلات کمک می نماید که مشکلات سهل تر و منطقی تر حل شوند. تربیت در چنین نظامی راه را برای پیداری افکار دیگران، پرورش قوه ابتکار، آزاد نمودن عقاید، مهارت مبادله افکار و... آماده می کند.

همکاری اعضای جامعه به عنوان راه اساسی جهت نیل به هدف های فردی و اجتماعی در جامعه دموکراتیک پذیرفته شده است. این تفکر در رابطه با نظام تربیتی آن جامعه نیز جریان دارد و سعی می گردد که با همکاری تمام اعضای مدرسه عمر از معلم، مدیر، شاگرد، خدمت گزار و... اقدامات مختلف در زمینه تهیه برنامه ها، تعیین هدف ها، انتخاب وسایل و مواد تعلیماتی، اتخاذ روش های صحیح تدریس، برخورد با مسایل انضباطی و تلاش جهت حل مشکلات اجتماعی و فردی فراهم آید.

مشخص نمودن حق و مسئولیت افراد در رابطه با امورات مختلف از پدیده های رایج در سیستم های حکومتی از نوع دموکراسی است. در مدرسه سعی می گردد مسئولیت کودکان دقیقاً مشخص و حق شرکت آنها در اتخاذ تصمیمات درباره مسایل عمومی حفظ گردد. در حکومت های دموکراتیک، فرآیند تربیت به عنوان یک فرآیند اجتماعی در نظر گرفته می شود که برای یادگیرنده، باید هر گونه فرصت یاد گرفتن برای زیستن به طور همیاری و سازنده با سایر انسان ها داده شود.

چنانچه ذکر شد، معلوم می گردد که در سیستم دموکراتیک تمام انسان ها آزاد هستند که استعدادها، توانایی ها و خلاقیت های مختلف خویش را رشد دهند و آزادانه نظریات خویش را بیان نمایند و در صورت عملی بودن به مرحله اجرا در آورند. اما اگر در جامعه ای هیئت حاکمه ای که اداره امور جامعه را در دست دارد از نوع حکومت های استبدادی باشند. در آن صورت از آن مسایلی که مطرح شد خبری نخواهد بود. چرا که آنان توانایی و تحمل پذیرش جریان های فکری مخالف را نخواهند داشت، در نتیجه پدیده فرار مغزها در این جامعه به وقوع خواهد پیوست که در پرتو آن اندیشمندان و متخصصان مختلف، به خصوص در امر تربیت و آموزش عالی جامعه را ترک خواهند کرد و یا عزت خواهند گزید، و در جامعه خلاء اندیشمندان و صاحب نظران مشهود خواهد شد که در نتیجه آن جامعه به دست افراد کم تجربه و بی مایه و ناشایست خواهد افتاد و جامعه از برنامه ها و طرح های اصولی و عملی سازنده و پیش برنده حاصل تفکر محققان محروم خواهد شد.





## تاریخ قضاوت می کند سازش یا تسلیم

علی مالمر  
دانشجوی آموزش زبان پردیس شهید بهشتی زنجان

یکی از ضعف های جبهه ی انقلاب عدم بیان جامع و کامل ایدئولوژی مقاومت است. بعضی می گویند تسلیم شویم تا مودیگری دشمن ادامه پیدا نکند. اما نمی دانند هزینه تسلیم شدن بیشتر از ایستادگی کردن است. ایستادگی کردن هزینه های دارد اما دستاوردهای آن صدها برابر بیشتر است. رهبر انقلاب اسلامی

صرفاً جهت تقویت #حافظه-تاریخی

۱) یاسر عرفات رئیس جنبش آزادی بخش فلسطین راهی کاخ سفید شد و در مذاکرات اسلو ۱ اسلو ۲، و هدفش در وهله اول زمین در مقابل صلح بود که بعد از ناکامی آن را به آزادسازی ۱۰۴ اسیر فلسطینی تقلیل داد.

سرانجام: گستاخی بیشتر اسرائیل در مقابله با مردم فلسطینی. موساد از طریق یکی از محافظان شخصی یاسر عرفات، او را مسموم کرده و به قتل رساند.

۲) معاهده کمپ دیوید  
انور سادات رئیس جمهور وقت مصر توافق نامه کمپ دیوید را امضا کرد، با هدف صلح و عقب نشینی کامل اسرائیل از کرانه باختری و نوار غزه.

سرانجام: ترور انور سادات در یک رژه و عدم پایبندی اسرائیل به هیچ قطعنامه ای

۳) معمر قذافی  
جهت برداشته شدن همه تحریم ها با آمریکا مذاکره کرد و صنعت هسته ای و موشکی خود را از بین برد و به بازار سان انرژی اتمی دسترسی نامحدودی داد و همچنین مسولیت حادثه هوایی لاکربی را پذیرفت و غرامت سنگینی پرداخت کرد.

سرانجام: اعمال تحریم ها و حمله آمریکا به لیبی و سرانجام به هلاکت رسیدن قذافی و ایجاد اوضاع بسیار نابسامان در لیبی.

۴) حمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین سازش با کشور صهیونیستی، تا کشور فلسطین به رسمیت شناخته شود. البته به شرط به زمین گذاشتن سلاح.

سرانجام: سلاح ها به زمین گذاشته شد و فلسطین به رسمیت شناخته نشد و قدس هم به عنوان پایتخت اسرائیل معرفی شد!

۵) نمونه معاصر عربستان  
تسلیم مطلق در برابر آمریکا و سیاست هایش  
سرانجام: به گفته ترامپ ۴۵۰ میلیارد دلار از عربستان کسب درآمد کرد و عربستان را تحقیر کرد و آنان را گاو شیرده نامید و گفت بدون آمریکا ۲ هفته هم دوام نمی آورید!

۶) نمونه وطنی  
رضا خان برای گریز از جنگ و صلح پای پیمان سعدآباد را امضا کرده است؛ این داستان از جانب محمدرضا هم پیگیری شد.

سرانجام: ارتفاعات آرات به ترکیه داده شد منابع نفتی اروند به عراق و البته بحرین هم جدا شد.

و اما حالا نمونه وطنی معاصر را بررسی کنیم  
برجام

و برجام و ما ادراک ما برجام!

واقعیت تاریخ:

در دوره مذاکرات برجام، جنگ شد؟ خیر

در دوره مذاکرات قبل از برجام، جنگ شد؟ خیر

در دوره مذاکرات برجام، تحریم ها لغو شد؟ خیر

در دوره مذاکرات قبل از برجام، تحریم ها لغو شد؟ خیر

در دوره مذاکرات برجام، قیمت دلار چقدر شد؟ ۳۰۰۰۰ تومان

در دوره مذاکرات قبل از برجام، قیمت دلار چقدر شد؟ ۳۵۰۰ تومان

در دوره مذاکرات برجام، چند ساترفیوژ داشتیم؟ ۵۰۰۰ عدد

در دوره مذاکرات قبل از برجام، چند ساترفیوژ داشتیم؟ ۱۹۰۰۰ عدد

در دوره مذاکرات برجام، چقدر اورانیوم غنی شده داشتیم؟ ۳۰۰ کیلو گرم

در دوره مذاکرات قبل از برجام، چقدر اورانیوم غنی شده داشتیم؟

نزدیک ۱۰ تن

در دوره مذاکرات برجام، دانشمندان هسته ای کجا رفتند؟ شرکت آب و

فاضلاب

در دوره مذاکرات قبل از برجام، دانشمندان هسته ای کجا بودند؟

سازمان انرژی اتمی

در دوره مذاکرات برجام، مردم در صف گوشت ایستادند؟ بله

در دوره مذاکرات قبل از برجام، مردم در صف گوشت ایستادند؟ خیر

در دوره مذاکرات برجام، قیمت سکه چقدر شد؟ ۱۵ میلیون و پانصد هزار

تومان

در دوره مذاکرات قبل از برجام، قیمت سکه چقدر شد؟ ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار

تومان

نتیجه گیری غربگراها:

برجام بمان! فقط تو هستی که زبان دنیا را بلدی و ایران را از جنگ و

تحریم و بدبختی نجات داده ای!

بشکنند قلم های که به مردم آدرس اشتباه می دهند و علت مشکلات

فعلی را عدم مذاکره با شیطان نشان می دهند.

حقیقتا که خطرناک تر از تحریم های فلج کننده، تحلیل های فلج کننده است!







# طرح ولایت



مقام معظم رهبری (حفظه الله): آنچه من را به این اجتماع، به این اردو و مجموعه علمی و آموزشی و فرهنگی (طرح ولایت) دلبسته و معتقد می کند، این است که این جا آمیزه ای از علم و ایمان و تفکر و عاطفه مشاهده می شود.

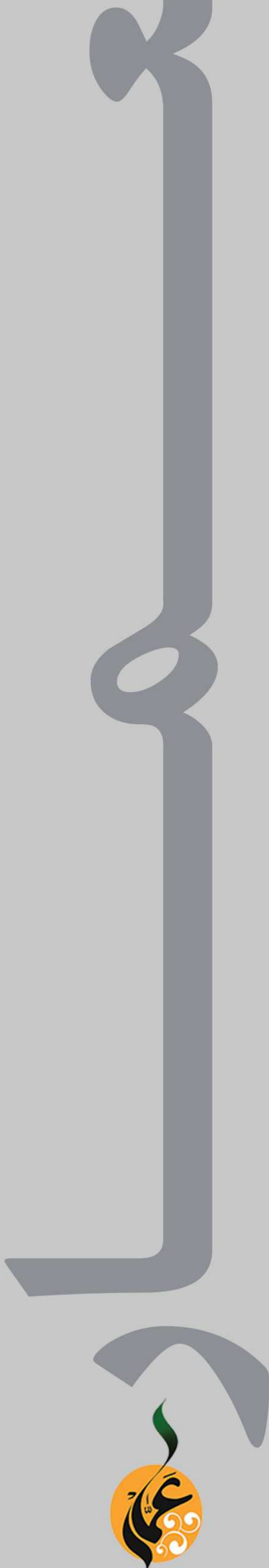
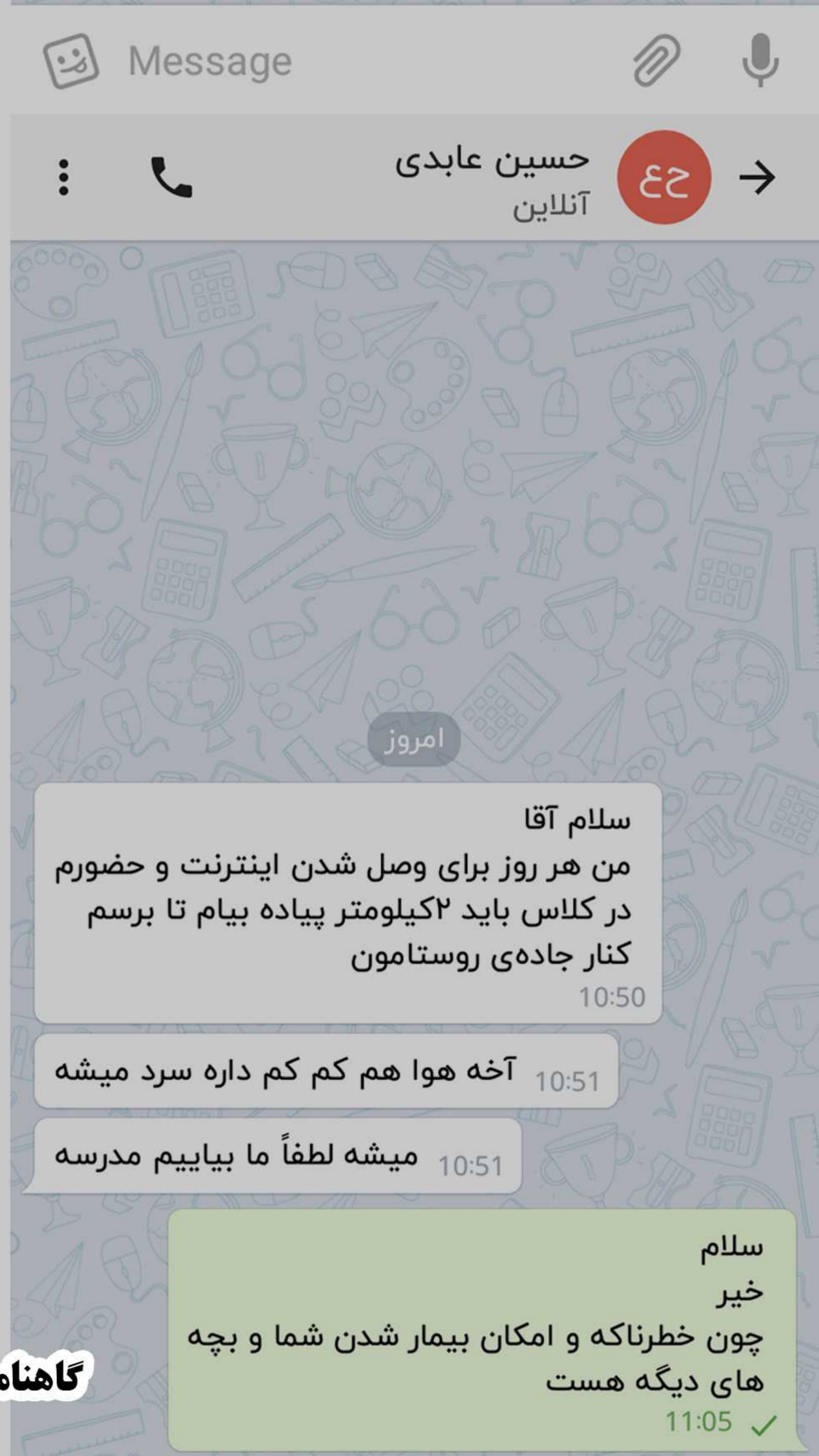
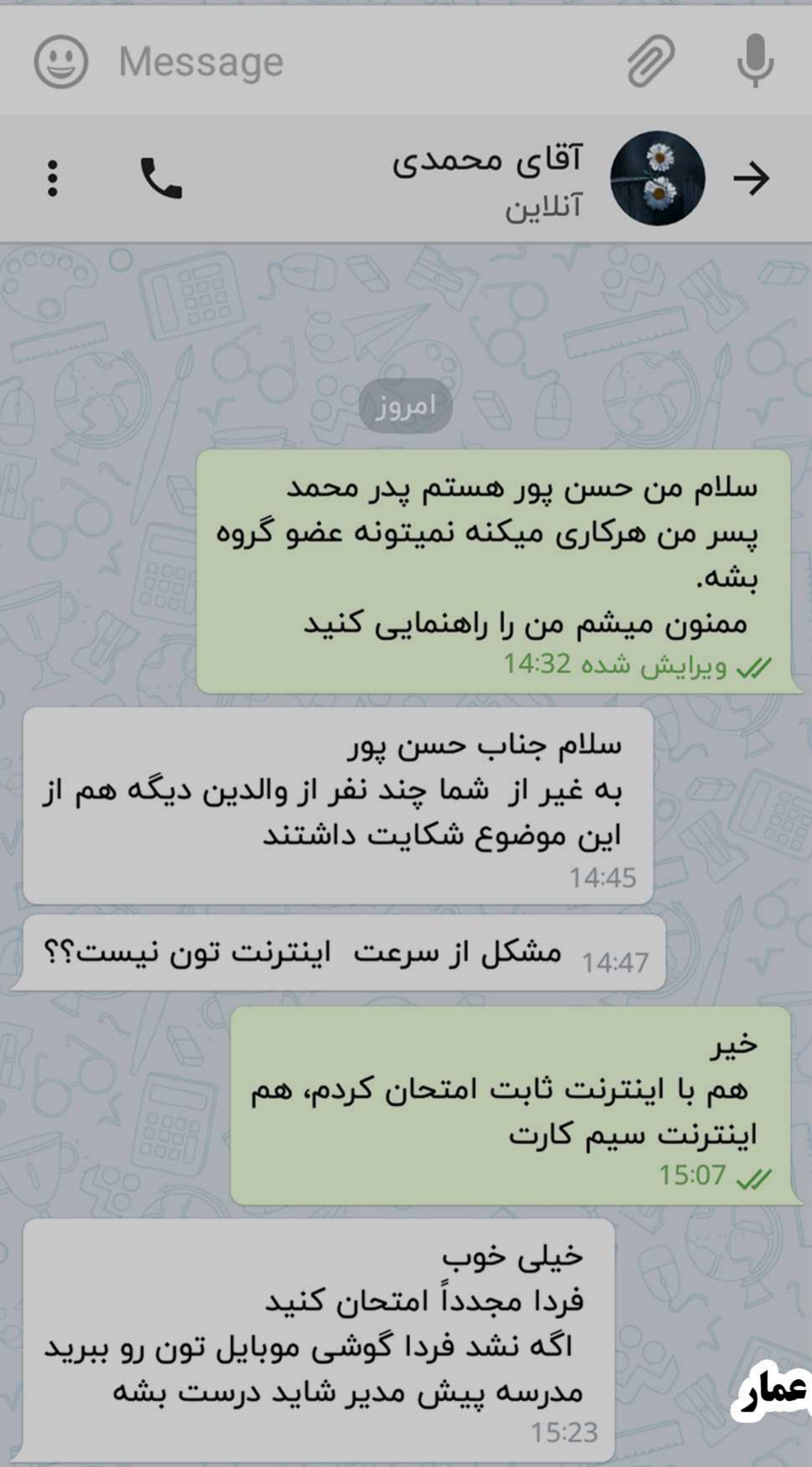
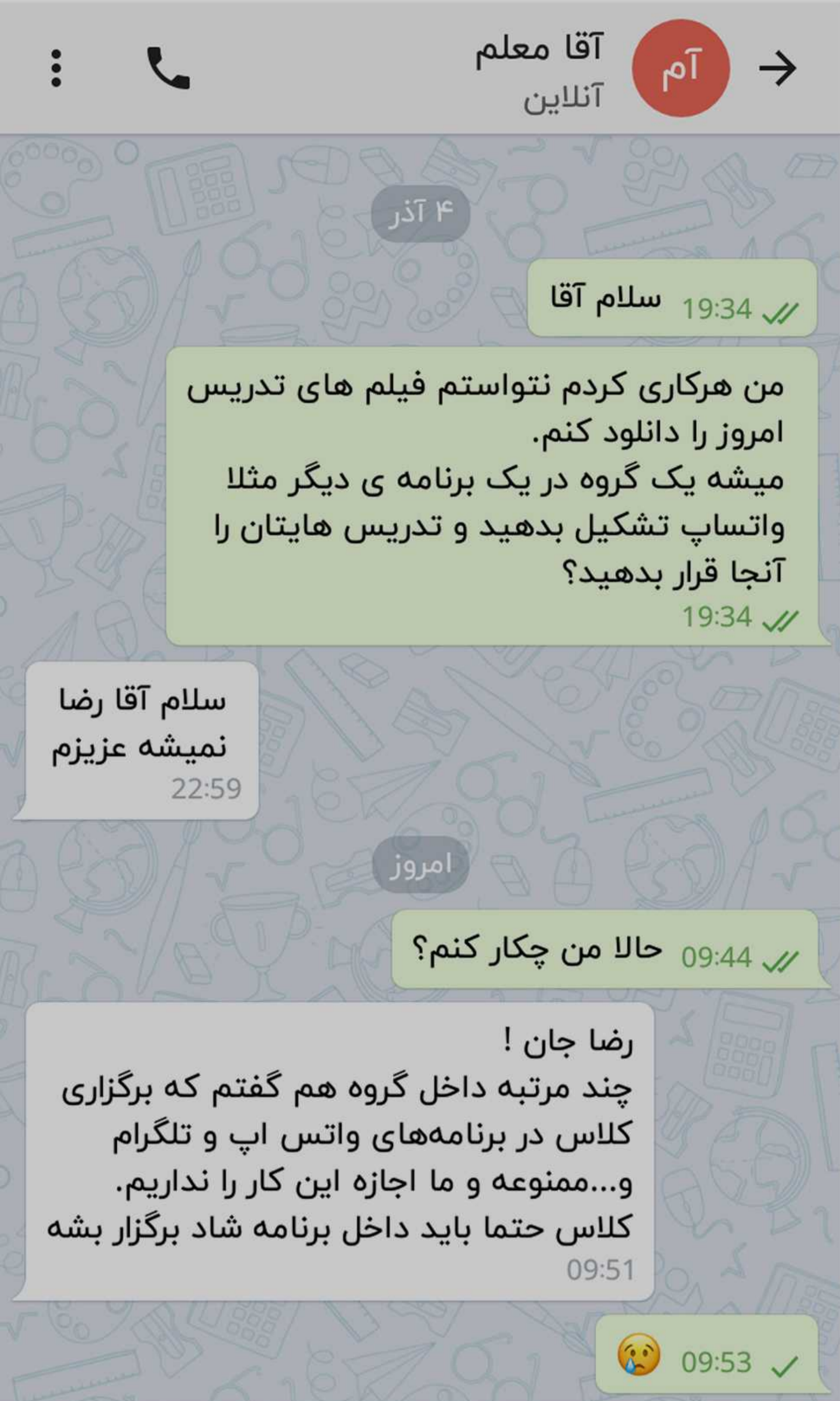
دوره آموزش مبانی اندیشه اسلامی با عنوان طرح ولایت، دوره ای است که با هدف دفاع فکری از دستاوردهای انقلاب اسلامی و صیانت از گوهر نفیس اندیشه ولایت و تبیین ارزش ها و عقاید اسلام ناب محمدی (ص) با حضور دانشجویان برگزار می شود، که این طرح در ۴۰ روز برگزار و محتوای آن در سه تلت تقریباً ۱۱ یا ۱۲ روزه در قالب ۶ کتاب به ترتیب، اولین مبانی معرفت شناسی، خدا شناسی، انسان شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست، بیان و انتقال می یابد که علاوه بر این مباحث، محتوایی هم در قالب همایش و... ارائه می شود و در جهت حفظ روحیه و شادابی دانشجویان برنامه های زیارتی، ورزشی و... نیز تدارک دیده شده که در اتمام این دوره دانش آموختگان مجهز به سلاح مبانی فکری اسلام خواهند شد که علاوه بر خود و خانواده، جامعه را نیز می توانند از امواج شبهات و ابهامات دینی، سیاسی و... نجات و عبور دهند و به سوی تمدن اسلامی گام بردارند.



یحیی قرقانی پور  
دانشجوی علوم تربیتی پردیس شهید آیت نجف آباد  
در سال ۱۳۷۵ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با توجه به شکل گیری نفوذ فکری دشمن در عرصه جنگ نرم و حمله به مبانی فکری و ارزش های دینی، نگران مسائل فرهنگی در کشور شد و با ابراز این نگرانی به رهبر انقلاب و ارجاع ایشان به خدمت حضرت آیت الله مصباح یزدی کار مقابله با شبهات و تعمیق مبانی اعتقادی به صورت گسترده در مجموعه سپاه و بعد ها در دیگر اقشار و به ویژه دانشجویان آغاز شد. به این ترتیب اولین دوره با عنوان دوره طرح ولایت برای دانشجویان بسیجی با کمک سپاه و مجموعه موسسه امام خمینی (ره) با مدیریت حضرت آیت الله مصباح یزدی شروع به کار کردند که با توجه به هجمه فرهنگی از سوی بعضی اساتید روشنفکران و غرب گرا در دانشگاه ها و... نسبت به مبانی دینی، پاسخ دقیق به شبهات و تعمیق مبانی اسلامی کم از مقابله نظامی نداشت.

حضرت الله مصباح یزدی (حفظه الله): بنده در کار های فرهنگی که در طول ۶۰-۷۰ ساله عمرم انجام داده ام کمترین کاری را می شناسم که به اندازه طرح ولایت برکت داشته باشد. این کار حاصل ۴۰-۵۰ سال تدریس و تحقیق در مسایل اسلامی است که ثمره اش امروز به شکل فشرده در اختیار شما قرار گرفته است.





گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عمار  
شماره بیست و پنجم  
سال ششم

